

:. به نام بی نام او :.

مقدمه

برای بسیاری از داوطلبان کنکورهای رشته روان‌شناسی و دانشجویان آن، درس روان‌شناسی رشد از مهمترین و محبوب‌ترین دروس از بین مجموعه دروس روان‌شناسی بوده است. این درس ۱۰ سوال از ۸۰ سوال کنکور دکتری را به خود اختصاص می‌دهد، بنابراین تأثیر عمده‌ای که در این کنکور دارد. به طوری که هر داوطلب می‌تواند با کسب درصدی حدود ۷۰ درصد (و یا حتی بالاتر، که شدنی است) رتبه خود را در کنکور به طور چشمگیری ارتقاء دهد. جزوه روان‌شناسی رشد کیهان – ویژه کنکور دکتری، با پوشش‌دهی اطمینان بخش سؤالات کنکور ارشد و دکتری در سال‌های گذشته، سال‌هاست به عنوان تک منبع بسیاری از رتبه‌های برتر مورد استفاده قرار می‌گیرد و هم امسال برای کنکور پیش‌رو، آخرین نسخه به‌روزرسانی‌شده‌ی آن مبتنی بر آخرین کنکور در اختیار شما عزیزان قرار گرفته است.

تغییرات آخرین ویرایش

در آخرین ویرایش این جزوه، برخی اصلاحات مطابق با آخرین کنکور در متن صورت گرفته است. همچنین نظریه‌های تکمیلی مثل پری، شای، تننس و کاروس، سیگلر، پردازش اطلاعات و نئوفرویدی‌ها آورده شده و در نهایت، مطالب تکمیلی برای پیازه، فروید و دیگران هم به جزوه افزوده شده است. همچنین برای جلوگیری از افزایش شدید قیمت جزوات، سعی کردیم بدون کاهش کیفیت جزوات، متون را کم‌حجم کنیم و از تعداد صفحات خالی جزوه بکاهیم.

با اطمینان مطالعه کنید

برای آنکه این مجموعه را با اطمینان مطالعه کنید، به موارد زیر توجه نمایید:

۱. گزارشی که بلافاصله پس از کنکور تهیه شد، نشان داد که جزوه رشد کیهان به تنهایی به ۹۰ درصد از سؤالات آخرین کنکور دکتری روان‌شناسی پاسخ داده است. در حالی که درصد رتبه‌های تک رقی در این درس در هر دو کنکور ارشد و دکتری به طور میانگین چیزی حدود ۷۰ درصد است. گزارش عینی و شفاف این بررسی را در [وبسایت کیهان](#) مطالعه نمایید.
۲. این مجموعه را رتبه‌های برتر روان‌شناسی دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی و علامه طباطبایی از جمله آقای روح‌الله صولت، رتبه ۱ کنکور دکتری ۹۸، تهیه و ویرایش کرده‌اند.
۳. این جزوه، در سال‌های گذشته منبع اصلی مطالعاتی رتبه‌های برتر کنکورهای ارشد و دکتری روان‌شناسی و مشاوره در این درس بوده است. از جمله خانم اسفندیاری رتبه ۸، خانم محمصص رتبه ۳۱ کنکور ارشد ۹۶، آقای صولت رتبه ۱ کنکور دکتری ۹۸ و آقای رحمتی رتبه ۱۹ کنکور ۱۴۰۰. می‌توانید مصاحبه این دوستان را در سایت بخوانید.
۴. این مجموعه در کنار دیگر مجموعه‌های کیهان، با دقت بسیار زیادی تهیه شده و متناسب با سؤالات کنکور اخیر مورد بازبینی قرار گرفته است و برای کنکور ارشد وزارت بهداشت و دکتری پیش‌رو کاملاً به روز رسانی شده است.

در پایان ضمن دعوت از همه شما دوستان به استفاده از روش مطالعه علمی و دقیق و همچنین به کارگیری یک برنامه‌ریزی صحیح و قابل اطمینان برای رسیدن به هدفی شایسته، آمادگی خود را برای شنیدن نظرات و پیشنهادات ارزشمند شما عزیزان برای هرچه بهتر کردن مجموعه‌هایی که متعلق به همه شماست، اعلام می‌کنیم.

"با آرزوی توفیق برای همه شما عزیزان"

گروه مشاوران کیهان-دپارتمان دکتری

مرکز خدمات روان‌شناسی و مشاوره کیهان

به ما عطا کن

توانی؛

برای تغییر دادن آنچه که می توانیم تغییر دهیم

ظرفیتی؛

برای پذیرفتن آنچه که از کنترل ما خارج است

و

بینشی؛

برای درک تمایز میان این دو

:. آشنایی با مجموعه کیهان .:

درباره کیهان

- گروه آموزشی کیهان متشکل از تعدادی از رتبه‌های برتر روان‌شناسی و مشاوره ارشد و دکتری دانشگاه‌های تهران، شهیدبهشتی، علامه و ... است که صرفاً در زمینه کنکور ارشد و دکتری مجموعه روانشناسی و مشاوره فعالیت دارد.
- فعالیت‌های کیهان شامل ارائه خدمات مشاوره و برنامه‌ریزی، مجموعه جزوات قابل اطمینان، فیلم‌های آموزشی با اساتید برتر روان‌شناسی، ارائه خدمات روانشناختی به دانشجویان و برگزاری کلاس‌های آموزشی با کیفیت است.
- گروه آموزشی کیهان تحت نظارت مستقیم مرکز خدمات روان‌شناسی و مشاوره کیهان فعالیت می‌کند.
- کیهان در هیچ کجای کشور شعبه‌ای ندارد و تمام خدمات و محصولات آن فقط از خود مرکز کیهان به شیوه اینترنتی، تلفنی و حضوری قابل دریافت است.
- به لطف به کارگیری از روش‌های علمی مشاوره و برنامه‌ریزی و همچنین جزوات قابل اطمینان، هر ساله تعداد قابل توجهی از رتبه‌های زیر ۱۰۰ کنکور ارشد روان‌شناسی از میان کیهانی‌ها بوده‌اند. به طور مثال در سال ۹۷ خانم سمانه ابراهیم نژاد رتبه ۷، آقای امیر همایون حلاجیان رتبه ۲، در سال ۹۸ خانم فائزه قدمی رتبه ۱ و خانم الهه مولایی رتبه ۶، در سال ۹۹ خانم زهرا دایی رتبه ۶ و در سال ۱۴۰۰ خانم شقایق حاذقی رتبه ۳، خانم زینب نکومنشی نژاد رتبه ۱۵ و خانم نرگس السادات سلیمی رتبه ۱۶ به طور کامل کیهانی بوده‌اند.

درباره جلسات مشاوره کیهان

- جلسات به دو شکل رایگان (فقط یک بار در سال) و تخصصی (با یک مشاور به انتخاب فرد) برگزار می‌شود.
- جلسات به دو شکل تلفنی و حضوری و صرفاً اختصاصی (یک مشاور و یک دانشجو در هر جلسه) برگزار می‌شود.
- هر دانشجوی کیهانی یک پرونده مربوط به اطلاعات خود نزد مشاور اختصاصی‌اش دارد.
- در کیهان، مشاور هر رشته (روانشناسی-مشاوره)، الزاماً رتبه برتر همان رشته است و بر آن آزمون کاملاً مسلط است.
- روش‌های برنامه‌ریزی و مشاوره کیهان، از یافته‌های علمی و تجربی استخراج می‌شود و سپس در دپارتمان مشاوران تصویب می‌شود. اینجا از آزمون و خطا خبری نیست.
- کیهان از حضور چندین مشاور تخصصی (رتبه‌های برتر) بهره می‌برد که این قدرت انتخاب دانشجو را بالا می‌برد.
- کیهان برای داوطلبان کنکور پیش رو، دو طرح ویژه متفاوت با شرایط متفاوت ارائه کرده است.
- تمام جلسات مشاوره کیهان تحت نظارت مشاوران ارشد کیهان (آقایان فلاح و نیک منش) برگزار می‌شود.
- امکان داشتن ماهانه یک جلسه مشاوره (در طرح VIP) در زمینه مدیریت فردی، انگیزه، استرس و ... با مشاوران ارشد کیهان فراهم است.
- هزینه جلسات مشاوره در کیهان، مطابق نرخ مصوب عمومی است.

مروری کلی بر عوامل موفقیت در کنکور ارشد و دکتری روان‌شناسی

از نگاه رتبه‌های برتر کنکور، مشاوران کیهان

۱. هدف: تجربه ما نشان داده داوطلبانی که اهداف مشخص و محکمی ندارند، معمولاً در دنبال کردن آنها دچار مشکل شده و گاهی حتی به خط پایان نیز نمی‌رسند. پس پیشنهاد می‌کنیم اول از همه هدف‌تان را روشن کنید. چرا می‌خواهید ارشد روان‌شناسی شرکت کنید؟ چه رتبه‌ای را در این کنکور دنبال می‌کنید و چرا؟ حتماً می‌دانید که هدف باید SMART باشد. پس برای ۵ سال و یک سال آینده‌تان هدف‌گذاری SMART کنید. هدف‌گذاری SMART یعنی هدف‌گذاری که مشخص (Specific)، قابل اندازه‌گیری (Measurable)، قابل دستیابی (Attainable)، واقع بینانه (Realistic) و دارای محدوده زمانی مشخص (Time-bounded) باشد. در این راه یک دفتر برنامه‌ریزی + یک مشاور آگاه و متخصص می‌تواند به شما کمک زیادی در هدف‌گذاری صحیح ارائه دهد.
۲. برنامه‌ریزی: برای رسیدن به هدف‌تان برنامه‌ریزی کنید. یک برنامه‌ریزی صحیح نه خیلی سنگین است که زود شما را خسته کند، نه خیلی سبک که شما را به هدف‌تان نرساند. بدانید از کجا باید شروع کنید. با کدام کتاب‌ها، کلاً چه منابعی را می‌خواهید مطالعه کنید، آماده خلاصه برداری هستید؟ یا می‌خواهید از خلاصه دیگران استفاده کنید؟ کدام خلاصه بیشتر جواب داده و به نسبت هزینه‌ای که می‌کنید، منفعت بیشتری را برای شما می‌آورد؟ اینجا از یک کاربلد، کسی که تازه در کنکور رشته شما شرکت کرده (کنکور سراسری ارشد روان‌شناسی بالینی یا عمومی) و رتبه عالی هم کسب کرده (زیر ۵۰)، اطلاعات لازم را بگیرید. ببینید می‌خواهید اول کدام درس‌ها را در چه بازه زمانی جمع کنید و بعد کدام درس‌ها را. زمان مناسب برای شروع تست‌زنی چه موقع است؟ از چه ابزارهای دیگری می‌خواهید استفاده کنید و ... ابتدا مسیر رسیدن به هدف را به اندازه کافی برای خود روشن کنید. طرح‌های مشاوره‌ای مختلف کیهان را نیز مد نظرتان داشته باشید.
۳. آمادگی ذهنی: حالا که وقت عمل کردن فرا رسیده، ذهنتان را از همه شکست‌ها و تلخی‌های گذشته رها کنید. نگرانی‌ها را دور بریزید و فقط به هدف‌تان و میزان تلاشی که برای عملی کردن برنامه‌تان به نحو احسن، لازم دارید فکر کنید. به این‌که موفقیت در این پروژه (کنکور کارشناسی ارشد یا دکتری) چه تأثیرات مثبتی در زندگی‌تان دارد و سایر نکات مثبت فکر کنید.
۴. ابزارهای کل‌آمد: منظور، داشتن یک سری ابزار برای مقابله با خستگی، ناامیدی، و سایر موانع بیرونی و درونی برای رسیدن به هدف‌تان است. روش مطالعه صحیح را بدانید (در انتهای جزوات مطرح شده و در صورت نیاز مشاوران نیز به شما آموزش می‌دهند). با روش‌های مدیریت استرس و تمرکز آشنا باشید. بدانید چه زمان باید مرور کنید تا مطالب از ذهنتان نرود.
۵. مطالعات منسجم: رشته ما منابع زیادی دارد. در صورتی که از همین مجموعه جزوات کیهان استفاده می‌کنید، هیچ جای نگرانی نیست. اما باز جهت تأکید عرض می‌کنیم که از مطالعه منابع پراکنده پرهیز کنید. مطالعه منسجم یکی دو منبع خیلی بهتر از مطالعه پراکنده ۶-۷ منبع است. به مسیرتان اعتماد کنید.
۶. نظارت و ارزیابی: مدام خودتان، منابع‌تان و دانشی را که اندوخته‌اید، بررسی و ارزیابی کنید. ببینید در جهت درستی حرکت می‌کنید؟ یا نیاز به تغییر روش کار در برخی موارد دارید؟ در صورت نیاز، برای این کار از یک راه‌بلد کمک بگیرید.
۷. اعتماد به خود و توکل به نیروی برتر: سخت تلاش کنید و نتیجه را به گرداننده روزگار واگذار کنید. یادتان باشد که این عالم طراحی عادلانه دارد، پس مطمئن باشید زحمت هیچ داوطلب کوشایی بی‌نتیجه نخواهد ماند.

فهرست

موضوع	صفحه
بخش اول: تحول انسان در گستره‌ی عمر.....	۳
فصل اول: تاریخچه و پایه‌های شکل‌گیری روان‌شناسی علمی.....	۴
فصل دوم: تعاریف و روش تحقیق.....	۷
فصل سوم: نظریه‌ها، مراحل و راهبردهای پژوهشی.....	۱۰
فصل چهارم: مبانی زیستی و محیطی.....	۱۴
فصل پنجم: رشد پیش از تولد، تولد و نوزادی.....	۱۸
فصل ششم: رشد در نوباوگی و نوپایی (کودکی اول).....	۲۲
فصل هفتم: رشد در اواسط کودکی (کودکی دوم).....	۲۹
فصل هشتم: رشد در اواخر کودکی (کودکی سوم).....	۳۵
فصل نهم: رشد در نوجوانی.....	۴۱
فصل دهم: رشد در اوایل بزرگسالی (جوانی).....	۴۵
فصل یازدهم: رشد در میانسالی.....	۴۹
فصل دوازدهم: رشد در اواخر بزرگسالی (پیری).....	۵۴
فصل سیزدهم: مرگ، مردن و داغ‌دیدگی.....	۵۹
فصل چهاردهم: نظریه زیست بوم‌شناختی برونفن برنر.....	۶۲
فصل پانزدهم: روان‌شناسی انسان‌گرا و نظریه رشد.....	۶۵
فصل شانزدهم: پردازش اطلاعات و نظریه ارتباط (یا اطلاع).....	۶۶
فصل هفدهم: نظام روان‌تحلیل‌گری و نظریه فروید.....	۶۹
فصل هجدهم: نظریه رشدی-شناختی پیاژه و نظریه شناختی برونر.....	۷۶
فصل نوزدهم: مراحل رشد اخلاقی و نظریات کلبرگ و گیلیگان.....	۹۸
فصل بیستم: نظریه روانی-اجتماعی اریکسون.....	۱۰۴
فصل بیست و یکم: نظریه ارگانیسمی و تطبیقی ورنر.....	۱۱۶
فصل بیست و دوم: نظریه‌های یادگیری اجتماعی بندورا.....	۱۲۰
فصل بیست و سوم: نظریه تفرد - جدایی ماهر (مارگارت ماهر).....	۱۲۶
فصل بیست و چهارم: آنا فروید.....	۱۳۲
فصل بیست و پنجم: نظریه یادگیری و شرطی‌سازی؛ پاولف، واتسون و اسکینر.....	۱۳۵
فصل بیست و ششم: نظریه جان دیویی و نظریه اجتماعی - فرهنگی ویگوتسکی.....	۱۳۸
فصل بیست و هفتم: نظریه زیستی گزل (نظام تحولی گزل).....	۱۴۴
فصل بیست و هشتم: نظام والن.....	۱۴۹

فصل بیست و نهم: نظریه‌های کردارشناسی: داروین، لورنز و تینبرگن، بولبی و اینزورث.....	۱۵۴
فصل سی‌ام: فلسفه تربیتی مونتسوری.....	۱۶۵
فصل سی و یکم: فراگیری زبان و نظریه رشد زبان چامسکی.....	۱۶۸
فصل سی و دوم: نظریه لئون تی‌یف.....	۱۷۲
فصل سی و سوم: نظام روان تحلیل‌گری اشپیتز و نظریه بوهرلر.....	۱۷۷
فصل سی و چهارم: نظریه ویلیام دیمون – دانیل هارت.....	۱۸۱
فصل سی و پنجم: نظریه ملانی کلاین.....	۱۸۴
فصل سی و ششم: نظریه هارتمن.....	۱۸۸
فصل سی و هفتم: شاختل و تجربه‌های دوران کودکی.....	۱۹۱
فصل سی و هشتم: مطالعه روان تحلیلی بتلهایم در مورد درخودماندگی (اوتیسم).....	۱۹۳
فصل سی و نهم: ملاک‌های بازی.....	۱۹۴
فصل چهل‌ام: تقلید.....	۱۹۶
فصل چهل و یکم: جیمز مارسیا.....	۱۹۷
فصل چهل و دوم: نظریه لوینسون و ویلانت.....	۱۹۹
فصل چهل و سوم: نظریه بوهرلر درباره‌ی گستره‌ی چرخه‌ها و نظام‌ها.....	۲۰۲
فصل چهل و چهارم: نظریه یونگ در مورد دوران بزرگسالی.....	۲۰۳
سوالات درس روان‌شناسی رشد در کنکور ۱۴۰۱.....	۲۰۶
پاسخ سوالات درس روان‌شناسی رشد در کنکور ۱۴۰۱.....	۲۰۷
منابع.....	۲۰۸
منابع بیشتر برای رسیدن به حداکثر تسلط.....	۲۰۹

- ✓ ژان پیاژه
- ✓ روش بالینی پیاژه
- ✓ مفهوم مرحله در نظریه پیاژه
- ✓ مراحل کلی رشد از نظر پیاژه
- ✓ گرایش زیستی در موجودات زنده
- ✓ طرح‌واره‌ها
- ✓ تشریح مراحل رشد در نظریه‌ی پیاژه
- ✓ اصول آموزشی پیاژه
- ✓ رشد اخلاقی از نظر پیاژه
- ✓ عوامل تحول روانی از دید پیاژه
- ✓ سایر نکات
- ✓ نظریه شناختی برونر

ژان پیاژه

نظریه‌پرداز شناختی سوئیسی بیش از هر شخص دیگری بر پژوهش درباره رشد کودک تأثیر داشته است. طبق **نظریه شناختی - رشدی** او، کودک با دستکاری و کاوش محیط خود به طور فعال آگاهی کسب می‌کند. نظریه پیاژه درباره رشد تحت تأثیر آموزش‌های اولیه او در زیست‌شناسی بود. مفهوم زیستی انطباق در نظریه او اهمیت زیادی دارد. درست به همان صورتی که ساختارهای بدن برای مطابقت یافتن با محیط سازگار می‌شوند، ساختارهای ذهن هم طوری رشد می‌کنند تا با دنیای بیرونی بهتر تطابق یابند و یا سازگار شوند. از آنجا که پیاژه تسلسل‌مراحلی غیرقابل جابه‌جایی را مطرح کرده است، برخی از صاحب‌نظران او را ریش‌گرا فرض کرده‌اند؛ ولی پیاژه ریش‌گرا نبوده است. ریش‌گرایان بر این باورند که تسلسل‌مراحل در ژن‌ها نهفته است و مراحل بر اساس برنامه زمان‌بندی شده و درون‌زاد آشکار می‌شود. اما پیاژه معتقد بود که این مراحل به سادگی بیانگر روش‌های تفکر هستند که به نحو فزاینده‌ای همه‌جانبه‌تر می‌شوند. کودکان پیوسته محیط خود را کشف، دستکاری و تلاش می‌کنند آن را بفهمند و در این فرآیند به نحوه فعالانه‌ای ساختارهای جدید و پیچیده‌تری را برای برخورد با محیط در خود به وجود می‌آورند.

اگر چه پیاژه این موضوع را که مراحل رشد در کدهای ژنتیکی ما نهفته است باور نداشت و معتقد بود که کودکان خودشان این مراحل را می‌سازند ولی فرآیند سازندگی را از دیدگاه گرایش‌های زیستی مورد بحث قرار داد. پیاژه نه تنها ریش‌گرا نبود بلکه با اطمینان می‌توان گفت که نظریه‌پرداز یادگیری هم نبود. او باور نداشت که تفکر کودکان از طریق تدریس بزرگسالان یا حتی تأثیرات محیطی شکل می‌گیرد. بنابراین رشد از طریق ریش‌گرا درونی یا آموزش بیرونی اداره نمی‌شود، بلکه نوعی فرآیند سازندگی فعال است که در آن کودکان از طریق فعالیت‌های خویش به نحوه فزاینده‌ای ساختار افتراقی و گسترده‌ای را بنا می‌گذارند. پیاژه معتقد بود که آگاهی کودکان در نوباوگی و اوایل کودکی با آگاهی بزرگسالان تفاوت دارد.

بنابراین محور اصلی تئوری پیاژه «رشد شناختی» است. او چندان به جنبه‌های دیگر رشد مثل تحول هیجانی-عاطفی کودکان نمی‌پردازد و لذا روان‌شناسی او تحت عنوان روان‌شناسی ژنتیک نیز نامیده می‌شود. بنابر نظر پیاژه کودکان صرفاً دریافت‌کنندگان منفعل تجربیات نیستند بلکه به گونه‌ای فعال وقایع را تجزیه و تحلیل می‌کنند و با منطقی متفاوت با بزرگسالان به ارزیابی محیط می‌پردازند.

پیاژه ریش‌گرا نبود اما او نیز اساساً نیروهای درونی را به عنوان زیربنای تغییر در رشد تلقی می‌کرد. از نظر پیاژه نمی‌توان تقویت‌کننده‌های محیطی را تعیین‌کننده‌های رفتار تلقی کرد، زیرا این تقویت‌کننده‌ها اغلب همراه با علایق کودک طی رشد تغییر می‌کنند. برای پیاژه متغیر اصلی، کنجکاوی خودبه‌خود کودک در زمینه وقایع دارای پیچیدگی فزاینده است. از لحاظ عملی نظریه پیاژه به شکل‌گیری فلسفه‌های آموزشی و برنامه‌هایی که برای یادگیری اکتشافی و تماس مستقیم با محیط کمک می‌کند، تأکید می‌کند.

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که پیاژه توانایی نوباوگان و کودکان پیش‌دبستانی را دست کم گرفته است. برخی از نظریه‌پردازان عمر با نتیجه‌گیری پیاژه که بعد از نوجوانی تغییرات شناختی مهمی روی نمی‌دهد، مخالف هستند.

تحقیقات نشان می‌دهند که عملکرد کودکان در مسائل پیاژه می‌تواند با آموزش بهتر شود. این یافته فرض او را که یادگیری اکتشافی، نه آموزش بزرگسالان بهترین راه برای کمک کردن به رشد است را، زیر سؤال می‌برد.

روش بالینی پیاژه

روش بالینی روشی است که حد فاصل بین روش مشاهده ساده و روش تجربی است و عبارت است از مصاحبه‌ای که آزمایش‌کننده با آزمودنی به عمل می‌آورد. در روش پیاژه برای سنجش توانایی‌های کودک از روش بالینی استفاده می‌شود؛ یعنی روش بررسی عمقی و فردی کودک. در این روش عمدتاً از مصاحبه استفاده می‌کنند. روش بالینی به معنی واری‌های عمقی است.

ویژگی‌های این روش: ما در این روش از روش‌های مشاهده محض، تجربی و مصاحبه استفاده می‌کنیم. از ابزار آزمایش استفاده می‌کنیم (روش تجربی) و در مصاحبه از واژگان مناسب با سن کودک استفاده می‌کنیم و سؤالات ما در مورد کودکان یکسان نیست (بستگی به سن دارد). برای واری پاسخ‌های کودکان از آزمون مخالف استفاده می‌کنیم. **آزمون مخالف** آزمونی است که ما در آن، مخالف پاسخ کودک را ارائه می‌دهیم و میزان تردیدش را می‌فهمیم. مهم‌ترین ویژگی روش بالینی پیازه آزمون مخالف است که ما با این روش متوجه می‌شویم پاسخ کودک تصادفی است یا نه؟! و برایش دلیل دارد یا نه؟

در این روش نوع ابزار مهم نیست، مهم منطق ابزارهاست. فرق نمی‌کند از چوب باشد یا پلاستیک، تراش یا پاک‌کن ولی باید یک تناسب ظاهری بین آن‌ها باشد. پیازه از روش مصاحبه‌های بالینی بازپاسخ استفاده می‌کرد: اولین پاسخی که از کودک پرسیده می‌شود، مبنایی برای سؤال بعدی پیازه بود.

دو نقص و نارسایی مهم روش تست از دیدگاه پیازه: نخست آنکه با روش تست نمی‌توان به قدر کافی به تحلیل نتایج پرداخت، چرا که از دنباله فکر شخص اطلاعاتی در دست نیست. دوم اینکه روش تست، گرایش طبیعی ذهن آزمودنی را منحرف می‌سازد و یا لاقلاً آن را در خطر این انحراف قرار می‌دهد.

روش تمرکزگرایی بالینی: مسئله تطبیق دادن روش آزمایش با خردسالان موردنظر است. آنچه این روش را نسبت به روش‌های قبلی ممتاز می‌سازد، این است که این روش بر آزمودنی متمرکز است و کوشش می‌شود که با وی سازش یافته باشد، نه آنکه یک وسیله اندازه‌گیری کم و بیش اختیاری بر وی تحمیل گردد.

مفهوم مرحله در نظریه ی پیازه

مفهوم مرحله در نظریه پیازه حاکی از چند جهت‌گیری قوی در مورد ماهیت رشد است: نخست اینکه در یک نظریه مرحله دقیق، تسلسل مراحل باید غیر قابل تغییر باشد. انسان‌ها مراحل را با سرعت‌های متفاوت طی می‌کنند، ولی با هر سرعتی که پیش بروند ترتیب مراحل تغییر نخواهد کرد. دوم اینکه مراحل حاکی از آن است که رشد به دوره‌های کیفی متفاوتی تقسیم می‌شود. سوم اینکه مراحل به ویژگی‌های کلی اطلاق می‌شود. مراحل پیازه به الگوی فکری کلی اطلاق می‌شود و اگر ما بدانیم که کودک در کدام مرحله قرار دارد، باید قادر باشیم رفتار او را در خلال تکالیف متعدد و متنوع پیش‌بینی کنیم. اما این موضوع کاملاً درست نیست، زیرا کودکان ممکن است در زمینه‌های مختلف در مراحل متفاوت باشند. مثلاً در استدلال علمی در مقابل استدلال اجتماعی. پیازه این بی‌نظمی‌ها را جابه‌جایی‌های محیطی می‌نامد. چهارم اینکه پیازه بر این باور است که مراحل او مبین یکپارچگی‌های سلسله‌مراتبی است، یعنی اینکه مراحل پایین‌تر ناپدید نمی‌شوند بلکه با چهارچوب وسیع و جدید یکپارچگی می‌یابند یا اینکه تحت تسلط این چهارچوب جدید در می‌آیند. مثلاً نوجوانی که استفاده از عملیات صوری را آغاز می‌کند باز هم می‌تواند عملیات عینی را به کار ببرد. پنجم اینکه پیازه معتقد است که مراحل او در تمام فرهنگ‌ها به همین شکل آشکار می‌شود.

به‌طور خلاصه پیازه یک نظریه مرحله‌ای دقیق را بر این اساس بنا نهاد که مراحل او:

- ۱- در تسلسلی غیر قابل تغییر آشکار می‌شوند.
 - ۲- الگوهای کیفی متفاوتی را توصیف می‌کنند.
 - ۳- مراحل به ویژگی‌های کلی فطری اطلاق می‌شود.
 - ۴- مبین یکپارچگی سلسله‌مراتبی هستند.
 - ۵- از نظر فرهنگی جهانی محسوب می‌شوند.
- پیاژه دریافت که رشد زبانی در رشد نقش دارد. به عنوان مثال احتمالاً کودکان نمی‌توانند به عملیات عینی دست یابند مگر اینکه حداقل رشدی در دستگاه عصبی آن‌ها به وجود آمده باشد. ولی پیازه معتقد بود چنین رشدی به تنهایی نمی‌تواند نقش چشمگیری داشته باشد. زیرا رشد بیشتر وابسته به محیطی است که کودک در آن زندگی می‌کند. در دیدگاه پیازه محیط تا اندازه‌ای مهم است. محیط کودک را، تغذیه و تحریک می‌کند و او را با چالش‌های تازه‌ای مواجه می‌سازد ولی این خود کودکانند که ساختارهای شناختی را می‌سازند.

مراحل (دوره‌های) کلی رشد در نظریه پیازه

- **مرحله ۱: هوش حسی - حرکتی (از تولد تا ۲ سالگی):** نوزادان با تأثیر گذاشتن بر محیط به وسیله چشم و گوش، دست و دهان، فکر می‌کنند. در نتیجه آن‌ها برای حل کردن مسائل ساده روش‌هایی ابداع می‌کنند. در این دوره نوزادان طرحواره‌های اعمال جسمانی خود نظیر مکیدن، چنگ زدن و ضربه زدن را برای برخورد با دنیای نزدیک خود، در خویش سازماندهی می‌کنند. از نظر پیازه کودک در پایان دوره حسی - حرکتی مفهوم شیء، فضا، زمان و علیت را می‌فهمد. همچنین در نظریه پیازه تحول علیت، به علیت تجسمی می‌انجامد.
- **مرحله ۲: تفکر پیش عملیاتی (۲ تا ۷ سالگی):** کودکان اندیشیدن یعنی استفاده از نمادها و تصورات درونی را یاد می‌گیرند، ولی تفکر آن‌ها غیرمنظم و غیرمنطقی است. در این مرحله تفکر کودکان با تفکر بزرگسالان تفاوت بسیار دارد. کودکان برای بازنمایی کشفیات حسی - حرکتی قبلی خود از نمادها استفاده می‌کنند، رشد زبان و بازی وانمود کردن در این مرحله صورت می‌گیرد.
- **مرحله ۳: عملیات عینی (۷ تا ۱۱ سالگی):** کودکان قابلیت تفکر منظم (نظام‌دار) را در خود گسترش می‌دهند، ولی این توانایی تنها هنگام برخورد با اشیاء و فعالیت‌های ملموس و عینی امکان‌پذیر است. در این دوره استدلال کودکان منطقی می‌شود، مایع خمیربازی بعد از تغییر شکل ثابت می‌ماند. کودکان همچنین اشیاء را در طبقات، سازمان می‌دهند. با این حال تفکر آن‌ها هنوز انتزاعی نیست.

• **مرحله ۴: عملیات صوری (۱۱ سالگی تا بزرگسالی):** جوانان قابلیت تفکر نظام‌دار را در حدی کاملاً مجرد و تئوریک در خود رشد می‌دهند. در این دوره توانایی تفکر انتزاعی و منظم، نوجوانان را قادر می‌سازد تا وقتی با مسئله‌ای روبه‌رو می‌شوند با فرضیه‌ها شروع کنند و از استنباط آزمون‌پذیر نتیجه‌گیری کنند. آن‌ها همچنین می‌توانند منطق اظهارات کلامی را ارزیابی کنند، بدون اینکه به شرایط دنیای عملی اشاره‌ای داشته باشند.

گرایش‌های زیستی در موجودات زنده

پیاژه گاهی فعالیت‌های کودکان را از نظر گرایش‌های زیستی که در همه موجودات زنده یافت می‌شود توصیف می‌کند. این گرایش‌ها شامل: درون‌سازی یا جذب، برون‌سازی یا انطباق، و سازمان‌دهی است:

- **انطباق:** مستلزم ساختن طرحواره‌ها از طریق تعامل مستقیم با محیط است. انطباق از دو فعالیت مکمل تشکیل می‌شود: درون‌سازی و برون‌سازی.
- **درون‌سازی:** از طرحواره‌های فعلی خود برای تعبیر کردن دنیای بیرونی استفاده می‌کنیم. درون‌سازی همچون عمل خوردن یا هضم غذا به معنای جذب است. مثلاً بزرگسال اطلاعات را از طریق خواندن کتاب‌ها جذب یا درون‌سازی می‌کنند. اما نوزاد در سنین بسیار پایین تلاش می‌کند تا شیء را از طریق چنگ زدن به آن درون‌سازی کند و آن را به طرحواره چنگ زدن خویش منتقل سازد.
- **برون‌سازی:** بعد از اینکه متوجه می‌شویم شیوه جاری تفکر ما کاملاً با محیط متناسب نیست، طرحواره‌های جدیدی را به وجود آورده یا طرحواره‌های قدیمی را تنظیم می‌کنیم. برخی اشیاء به طور کامل با ساختارهای موجود ما مطابقت نمی‌کنند، بنابراین ما باید آن‌ها را انطباق دهیم (برون‌سازی) یا ساختارهای خود را عوض کنیم.

به عقیده پیاژه، تعادل بین درون‌سازی و برون‌سازی با گذشت زمان تغییر می‌کند. وقتی که کودکان زیاد تغییر نکنند، بیشتر درون‌سازی می‌کنند تا برون‌سازی. پیاژه معتقد است برون‌سازی به تغییر اشاره دارد.

تعادل شناختی حالتی است که "کودکان بیشتر مشغول درون‌سازی هستند تا برون‌سازی"، تعادل شناختی می‌نامند که به وضعیت باثبات و راحت اشاره دارد. اما در مدت تغییر شناختی سریع، کودکان در حالت عدم تعادل یا ناراحتی شناختی قرار دارند. آن‌ها می‌دانند که اطلاعات جدید با طرحواره‌های فعلی آن‌ها نمی‌خوانند، بنابراین از درون‌سازی به برون‌سازی متمایل می‌شوند و بعد از اینکه آن‌ها طرحواره‌های خود را تغییر می‌دهند، به سمت درون‌سازی برمی‌گردند و ساختارهایی را که به تازگی تغییر کرده‌اند تمرین می‌کنند تا اینکه دوباره برای تغییر کردن آماده شوند. هر بار که این حرکت پس و پیش رفتن بین تعادل و عدم تعادل روی می‌دهد، طرحواره‌های مؤثرتری به وجود می‌آیند.

وقتی بین درون‌سازی و برون‌سازی تنش پیش بیاید کودک احساس عدم تعادل می‌کند و چون ذاتاً هر انسانی به دنبال رسیدن به تعادل است دو فرآیند فوق را چنان با هم هماهنگ می‌کند که به نقطه تعادل برسند. در این صورت کودک احساس راحتی می‌کند. بنابراین اصل مهم تحول در نگاه پیاژه **تعادل جویی** است.

- **سازمان‌دهی:** طرحواره‌ها از طریق سازمان‌دهی هم تغییر می‌کنند، فرآیندی که به صورت درونی، جدا از تماس مستقیم با محیط صورت می‌گیرد. بعد از اینکه کودکان طرحواره‌های جدید را تشکیل می‌دهند، در آن‌ها تجدید نظر می‌کنند، و برای به وجود آوردن نظام شناختی بسیار منسجم، آن‌ها را با طرحواره‌های دیگر مرتبط می‌کنند.

طرحواره‌ها

نخستین واحدهای روان‌شناختی یا عاطفی فرد آدمی از نظر پیاژه، روان‌بنه‌ها (یا طرحواره‌ها Schemas) هستند که مرجع پذیرش داده‌ها و سازمان‌دهی آن‌ها در درون فرد می‌باشند. مثلاً تصویری که کودک از صورت مادر در ذهن خود دارد یک طرحواره اولیه است. در نظریه پیاژه این ساختارهای روان‌شناختی خاص، یعنی شیوه‌های سازمان‌یافته‌ی معنی‌دهنده به تجربه، به نام طرحواره‌ها، با افزایش سن تغییر می‌کنند. در ابتدا طرحواره‌ها الگوهای عمل حسی - حرکتی هستند. در نظریه پیاژه دو فرآیند انطباق و سازمان‌دهی، تغییرات در طرحواره‌ها را توجیه می‌کنند. به عقیده پیاژه طرحواره‌ها زمانی به حالت واقعی تعادل می‌رسند که بخشی از شبکه گسترده ساختارهایی می‌شوند که بتوانند به طور مشترک در مورد محیط اطراف به کار برده شوند. مثلاً پسر بچه چهارماهه‌ای که قابلیت نگاه کردن به اشیاء و گرفتن آن‌ها را دارد به زودی سعی خواهد کرد این دو عمل را از طریق گرفتن چیزی که به آن نگاه می‌کند با هم ترکیب کند. روان‌بنه‌ها که مرجع پذیرش داده‌ها و سازمان‌دهی آن‌ها هستند، نخستین واحدهای روانی (شناختی یا عاطفی) فرد آدمی را تشکیل می‌دهند.

از نظر پیاژه طرحواره‌ها ثابت نیستند و در طول رشد پیشرفت چشم‌گیری می‌کنند. مثلاً طرحواره پرتاب کردن کودکان در ابتدا به صورتی کاملاً انعطاف‌ناپذیر شکل می‌گیرد. کودک اشیاء مختلف را به محیط پرتاب می‌کند و به صدای آن‌ها گوش می‌دهد. اما بعدها برخی اشیاء را به هوا می‌اندازد و برخی اشیاء را به سمت دیوار پرتاب می‌کند. پیاژه معتقد است رشد شناختی از طریق تحول طرحواره‌ها رخ می‌دهد و مستلزم دو فرآیند «انطباق» و «سازمان‌دهی» است.

تشریح مراحل (دوره‌های) رشد در نظریه پیاژه

• **مرحله ۱: هوش حسی - حرکتی (از تولد تا ۲ سالگی):** دارای دو نیم‌دوره است که نیم‌دوره اول از تولد تا تقریباً ۹ ماهگی و معرف میان‌گرایی نسبت به بدن خویش است و نیم‌دوره دوم که نیم‌دوره عینی کردن و فضایی کردن روان‌بنه‌های هوش عملی است. نخستین دوره رشد پیاژه شامل ۶ مرحله می‌شود (یا به عبارتی مرحله حسی - حرکتی پیاژه به شش زیر مرحله تقسیم شده است):

۱- **طرحواره‌های بازتابی (به کاربردن بازتاب‌ها) (تولد تا ۱ ماهگی):** در این مرحله یک سری فعالیت‌های بازتابی تکراری به عنوان فعالیت‌های غالب کودک شکل می‌گیرند. برون‌سازی یا شناخت واقعیت جهان بیرونی تدریجاً صورت می‌گیرد و درون‌سازی از ظرفیت تکرار، تعمیم و بازپیداوری برخوردار می‌شود. البته غلبه در این مرحله با درون‌سازی است و کودک هیچ آگاهی از وجود چیزی غیر خود ندارد. هنگامی که پیاژه درباره ساختارهای عملی نوزدان صحبت می‌کند واژه یا طرح یا نقشه را به کار می‌برد. یک طرح یا طرحواره می‌تواند هر الگوی عملی برای برخورد با محیط نظیر نگاه کردن، ضربه زدن، یا لگد زدن باشد. اگر چه نوزدان طرحواره‌ها و سپس ساختارهای خویش را از طریق فعالیت‌هایشان می‌سازند ولی اولین طرحواره‌های آنان اساساً شامل بازتاب‌های مادرزادی است. برجسته‌ترین این بازتاب‌ها بازتاب مکیدن است. اگرچه در مرحله یک، درون‌سازی چشمگیرترین فعالیت به نظر می‌رسد ولی در همین مرحله می‌توانیم آغاز برون‌سازی را نیز مشاهده کنیم، مثلاً نوزادان باید انطباق حرکت سر و لب‌هایشان را برای پیدا کردن پستان مادر یاد بگیرند، چنین انطباقی همچنین نشانه شروع سازمان‌دهی نیز هست.

۲- **واکنش‌های چرخشی نخستین (اولین واکنش‌های دوری) (۱ تا ۴ ماهگی):** "هنگامی که نوزاد به طور تصادفی تجربه‌ی جدیدی به دست می‌آورد و تلاش می‌کند آن را تکرار کند واکنش دوری یا چرخشی اتفاق می‌افتد". مثال: مکیدن انگشت شست. اکثر واکنش‌های دوره اولیه شامل سازماندهی دو طرحواره حرکتی یا جسمانی است که قبلاً از یکدیگر مجزا بودند. این دوره شامل عادت‌های حرکتی ساده است که بر اساس بدن کودک استوار هستند. در این مرحله نوزادان شروع به پیش‌بینی رویدادهای جهان پیرامون خود می‌کنند. مثلاً کودک بر اثر گرسنگی گریه می‌کند و وقتی مادر خود را می‌بیند احساس می‌کند تغذیه نزدیک است و گریه کردن را متوقف می‌سازد.

۳- **واکنش‌های چرخشی ثانوی (دومین واکنش‌های دوری) (۴ تا ۸ ماهگی):** مرحله دوم رشد به این دلیل اولین واکنش‌های دوری نامیده می‌شود که مشتمل بر هماهنگی بخش‌هایی از جسم خود نوزاد است. واکنش‌های دوری ثانوی هنگامی اتفاق می‌افتند که نوزاد رویداد جالبی را در خارج از خود، کشف و بازسازی کند. مثلاً دختر پیاژه با پاهایش حرکتی انجام می‌داد که باعث می‌شد عروسک‌های بالای سرش تکان بخورد. او سپس بار دیگر پاهایش را تکان داد و مجدداً حرکت عروسک‌ها را تماشا کرد. پیاژه گاهی اوقات دومین واکنش‌های دوری را «پایداری منظر جالب» نامیده است. این دوره اعمال به قصد تکرار کردن نتایج جالب در محیط انجام می‌شوند. تقلید از رفتارهای آشنا و سازماندهی‌های عمدی بین دیدن، گرفتن و لمس کردن در این زیرمرحله اتفاق می‌افتد. در این مرحله کودک دست خود را برای گرفتن هر چیزی پیش می‌برد و آن را به میدان دید خود می‌آورد. بنابراین ارتباط با محیط بیرون شکل جدیدی به خود می‌گیرد. توانایی تقلید در این مرحله ایجاد می‌شود اما کودک فقط قادر به تقلید از اعمالی است که بارها تمرین شده باشد. اعمال خلاقانه در این مرحله به کرات از کودک دیده می‌شوند. شکل بازتابی و ماشینی انجام‌دادن اعمال حرکتی جای خود را به هماهنگی بیشتر فکر و عضلات و انجام حرکت‌های خلاقانه و جدید می‌دهند.

۴- **هماهنگی واکنش‌های چرخشی ثانوی (هماهنگی طرحواره‌های ثانویه) (۸ تا ۱۲ ماهگی):** در مرحله ۴ نوزاد یاد می‌گیرد دو طرحواره مجزا را با یکدیگر هماهنگ سازد تا نتیجه لازم را به دست آورد. این مرحله شامل رفتار عمدی یا هدف‌گرا، توانایی یافتن شیء پنهان در اولین مکانی که پنهان شده است در این زیرمرحله اتفاق می‌افتد (پایداری شیء). متمایز شدن هدف - وسیله در این مرحله اتفاق می‌افتد. در این مرحله کودک روان‌بنه‌های شناخته‌شده را در موقعیت‌های جدید به کار می‌برد و به رفتار هدف‌گرا می‌پردازد. مثلاً می‌فهمد با عقب بردن ماشین کوکی می‌تواند باعث حرکت ماشین به سمت جلو شود. کودک در این مرحله علیت مادی را در ابزارهای پیرامون خود درک می‌کند و متوجه می‌شود با گرفتن، هل دادن و تکان دادن اشیاء می‌تواند باعث حرکت و تغییر در آنها شود.

درک مفهوم بسیار مهم «پایداری شیء» نیز در همین مرحله انجام می‌شود. پایداری شیء به این معناست که اشیاء وقتی از ما دور هستند و در دسترس ما نیستند نیز وجود دارند. مثلاً وقتی مادر کودک را در مرحله‌های رشدی قبلی ترک می‌کند با گریه و اضطراب شدید کودک مواجه می‌شود چراکه کودک گمان می‌کند مادری که در اتاق نیست دیگر وجود ندارد. اما در این مرحله کودک اضطراب و گریه خیلی کمتری را در مواجهه با غیبت مادر نشان می‌دهد چرا که به وجود مادر حتی وقتی او غایب است باور دارد.

۵- **واکنش‌های چرخشی سوم (سومین واکنش‌های دوری) (۱۲ تا ۱۸ ماهگی):** در مرحله ۴ کودک دو عمل مجزا را برای به دست آوردن یک نتیجه واحد انجام می‌دهد. اکنون در مرحله ۵ آن‌ها اعمال متفاوتی را برای دستیابی به نتایج متفاوت تجربه می‌کنند. کودک برای اینکه نتایج اعمال خود را ببیند آنها را تغییر می‌دهد. بنابراین در موقعیت‌های جدید به کشف راه‌حل‌ها و ابزارهای جدید نایل می‌شود. این دوره شامل بررسی کردن ویژگی‌های اشیاء با تأثیر گذاشتن بر آن‌ها به شیوه‌های تازه است. توانایی جستجو کردن در چند مکان برای یافتن شیء که پنهان شده است در این زیرمرحله اتفاق می‌افتد (جستجوی A-B). در این مرحله بالاترین سطح هوش حسی - حرکتی یعنی هوش عملی متجلی می‌گردد. این مرحله صریحاً مرحله آغاز رفتارهای فعال آزمایشگری به منظور رسیدن به راه حل جدید است. وقتی روان‌بنه در شکل ثانوی خود در مقابل مسئله‌ای دارای کارآمدی محدود است، کودک با وارد کردن عناصر جدیدی در آن، ظرفیت مقابله با موقعیت جدید را برای آن فراهم می‌سازد؛ مثلاً رفتار مجهز شدن به تیر به چوب، یا کشیدن سفره برای رسیدن به بشقاب روی آن. **رفتار تکیه‌گاهی** در این مرحله رخ می‌دهد و کودک متوجه می‌شود وقتی یک اسباب بازی را روی یک دستمال قرار داده‌ایم می‌تواند با کشیدن دستمال به اسباب بازی برسد. رفتارهای فیزیکی کودک در این مرحله به شدت پیشرفت می‌کنند و حل مساله در کودک شکل پیشرفته‌ای به خود می‌گیرد. همچنین آگاهی از پایداری شیء به سطح جدیدی می‌رسد و دیگر خطای AB رخ نمی‌دهد. کودک اگر شیئی را در مکان A گم کند هم در مکان A و هم در مکان B به دنبال آن خواهد گشت.

۶- **بازنمایی ذهنی (آغاز تفکر) (۱۸ ماهگی تا ۲ سالگی):** در مرحله ۶ به نظر می‌رسد که کودکان موقعیت‌ها را قبل از اینکه عملی انجام دهند، به گونه‌ای درونی‌تر مورد ارزیابی و تفکر قرار می‌دهند. در مرحله ۵ آن‌ها می‌توانند برای تقلید رفتار جدید انطباق‌های لازم را از طریق آزمایش و خطای تجربی انجام دهند. ولی فقط در مرحله ۶ است که کودکان قادر به تقلید تأخیری (تقلید معوق) یعنی تقلید مدل‌های غایب می‌شوند. کودک توانایی به یاد آوردن و کپی کردن از الگوهایی که در گذشته دیده را پیدا می‌کند. این مرحله شامل تجسم درونی اشیاء و رویدادها که حل کردن ناگهانی مسائل، توانایی یافتن شیء که دور از دید او جابه‌جا شده است (جابه‌جایی نادیدنی)، تقلید معوق و بازی وانمود کردن آن را نشان می‌دهد. همچنین این مرحله، مرحله ابداع یا اختراع یا درک ناگهانی یا بروز بینش به دنبال توقف عمل یا مرحله «تجربه آهان» نیز می‌توان نامید. مرحله کاربرد تجسم در برابر فعالیت‌های روانی است. در دوره حسی - حرکتی، تحول اخلاقی در سطح ناپیروی است. کودک در ارتباط با محیط خود میان‌بین است. خود میان‌بینی در هر دوره از تحول از سر گرفته می‌شود و در الگوی متناسب با آن دوره در جهت رهایی از خودمیان‌بینی در حد نسبی متحول می‌گردد.

«بازی وانمود کردن» نیز در این مرحله به وجود می‌آید. مثلاً ممکن است کودک برای در رفتن از زیر بار تکلیفی خود را به خواب بزند درحالی‌که واقعا بیدار است. **خودمیان‌بینی و ناپیروی اخلاقی:** در سطح حسی - حرکتی و هر ۶ مرحله آن کودک از نظر پیازه در سطح ناپیروی اخلاقی قرار دارد چراکه هیچ درکی از مفاهیم اخلاقی و حقوق دیگران ندارد. وجود خودمیان‌بینی عمیق و شدید کودکان در این مرحله باعث می‌شود نتوانند واقعیت جهان پیرامون خود را مستقل از خود درک کنند و به دنبال ارضاء نیازها و لذت‌های شخصی خود باشند.

از دید پیازه نقطه شروع فعالیت‌های فکری از نخستین مرحله رشد کودک با اعمال حسی و حرکتی مشخص می‌گردد یعنی تأثیر متقابل کودک با محیط، علت اولیه‌ای اعمال ذهنی به شمار می‌رود. کودک در این مرحله از طریق فعالیت‌های حسی و حرکتی محیط را شناسایی می‌کند ولی هنوز قادر به تصور و تفکر نیست. در این مرحله هوش کاملاً عملی است و همین اعمال، اساس فعالیت‌های ذهنی است و اساس آن را در آینده تشکیل می‌دهد.

واکنش چرخشی: واکنش‌های چرخشی، وسیله خاصی را برای سازگار کردن اولین طرحواره‌های کودک فراهم می‌کند که عبارت است از برخورد تصادفی با تجربه تازه‌ای که فعالیت حرکتی خود بچه‌ها آن را ایجاد کرده است. علت چرخشی بودن آن این است که وقتی کودک سعی می‌کند آن رویداد را بارها تکرار کند، پاسخ حسی - حرکتی که ابتدا به طور تصادفی روی داده در یک طرحواره جدید نیرومند می‌شود. در ابتدا واکنش چرخشی پیرامون بدن خود بچه تمرکز دارد (نخستین)، بعداً به بیرون و به سمت دستکاری اشیاء متمایل می‌شود (ثانوی).

• **واکنش چرخشی نخستین:** کودکان از طریق واکنش چرخشی نخستین بر اعمال خود کنترل ارادی کسب می‌کنند؛ عادات‌های حرکتی ساده‌ای چون مکیدن مشت یا انگشتان.

• **واکنش‌های چرخشی ثانوی:** کودکان با استفاده از آن سعی می‌کنند رویدادهای جالب را که توسط اعمال خود آن‌ها ایجاد شده‌اند تکرار کنند.

• **واکنش چرخشی نوع سوم:** به موجب آن کودکان نوپا رفتارهایی را با تغییر تکرار می‌کنند.

پایداری شیء: بازیافتن اشیاء پنهان نشان می‌دهد که نوباوگان تسلط بر پایداری شیء را آغاز کرده‌اند. یعنی آگاهی از اینکه وقتی اشیاء دور از دید هستند کماکان وجود دارند. چون کودکان به خطای جستجوی A نه B مرتکب می‌شوند (گشتن مکان اول پنهان کردن به جای مکان دوم)، پیازه نتیجه گرفت که آن‌ها از وجود شیء وقتی که از دید پنهان است تصویر روشنی ندارند. مرحله ۴ از مراحل حسی - حرکتی آغاز درک واقعی از پایداری شیء است. اگر ما عروسکی را زیر پتویی کاملاً مخفی کنیم، کودک پتو را کنار می‌کشد و آن را پیدا می‌کند. کودکان در مرحله ۵ می‌توانند تا هنگامی که ما را در حال جابه‌جا کردن می‌بینند مجموعه‌ای از جابه‌جایی‌ها را دنبال کنند و تنها در مرحله ۶ است که می‌توانند جابه‌جایی‌های مخفی را دنبال کنند.

بازنمایی ذهنی: تجسم درونی اطلاعات که ذهن می‌تواند آن‌ها را دستکاری کند. قوی‌ترین بازنمایی‌های ذهنی ما دو نوع هستند: (۱) تصاویر ذهنی اشیاء، افراد و مکان‌ها (۲) مفاهیم یا طبقات دسته‌بندی. پیازه متوجه شد که کودکان ۱۸ تا ۲۴ ماهه به جای رفتار کوشش و خطا، ناگهان به راه‌حل‌ها دست می‌یابند. آن‌ها در انجام این کار به نظر می‌رسد در ذهن خود آزمایش می‌کنند؛ دلیلی بر اینکه می‌توانند تجربیات خود را به صورت ذهنی بازنمایی کنند. در نظریه پیازه، نوباوگان نمی‌توانند تجربه را تا حدود ۱۸ ماهگی بازنمایی کنند. با این حال توانایی کودکان ۸ ماهه در یادآوری مکان شیء پنهان شده، بعد از تأخیرهای بیش از یک دقیقه، و توانایی کودکان ۱۴ ماهه در یادآوری بعد از تأخیرهای یک روزه یا بیشتر، نشان می‌دهد که بچه‌ها از اشیاء و مکان آن‌ها، بازنمایی ذهنی تشکیل می‌دهند. تحقیقات جدید درباره تقلید معوق و حل مسئله نشان می‌دهند که تفکر مربوط به بازنمایی حتی قبل‌تر وجود دارد. برخلاف پیازه که تصور می‌کرد بچه‌ها تمام بازنمایی‌های ذهنی را از فعالیت حسی - حرکتی تشکیل می‌دهند، اکنون اغلب پژوهشگران معتقدند که نوباوگان از امکانات شناختی فطری برای معنا دادن به تجربه برخوردار هستند.

تقلید معوق: توانایی به یاد آوردن و کپی کردن رفتار الگوهایی که حضور ندارند.

بازی وانمود کردن: به موجب آن کودکان فعالیت‌های روزمره و تخیلی را به نمایش می‌گذارند. هنگامی که مرحله حسی - حرکتی به پایان می‌رسد، نمادهای ذهنی ابزارهای مهم تفکر هستند.

روش نقض انتظار: پژوهشگران بچه‌ها را نسبت به رویدادی مادی خوگیر می‌کنند، بعد آن‌ها مشخص می‌کنند که آیا نوباوگان به رویداد مورد انتظار یا به رویداد غیر منتظره (مدلی که قوانین مادی را نقض می‌کند) برگشت می‌کنند (طولانی‌تر نگاه می‌کنند). رنه بیلارگون و همکاران او، در یک رشته تحقیقات با استفاده از روش نقض

انتظار، ادعا کردند که شواهدی برای پایداری شیء در چند ماه اول زندگی پیدا کرده‌اند. بیلارگون و دیگران تأکید کردند که نوباوگان به انواع رویدادهای غیرمنتظره‌ای که اشیای پنهان را شامل می‌شوند طولانی‌تر نگاه می‌کنند.

• مرحله ۲: مرحله پیش عملیاتی

رشد شناختی مرحله پیش عملیاتی (۲ تا ۷ سالگی): این دوره در اصل دوره رمزی یا نمادی است. ابزارهای جدید ذهنی برای کودک حاصل می‌شوند و کودک در جهت فعالیت‌های عقلی تجسمی گام برمی‌دارد. واضح‌ترین تغییر، افزایش فوق‌العاده در فعالیت بازنمایی ذهنی یا نمادی است. زبان انعطاف‌پذیرترین وسیله بازنمایی ذهنی ماست. برخی روان‌شناسان بر این باورند که کودکان زمانی تفکر منطقی را فرا می‌گیرند که بر زبان تسلط یابند. این دیدگاه زبان مقوله‌های ادراکی را برای ما فراهم می‌آورد. ولی پیازه با این نظر موافق نیست. او معتقد است که گرچه زبان خیلی اهمیت دارد ولی خود زبان به تنهایی، نمی‌تواند فراهم آوردنده تفکر منطقی باشد. بلکه منطق از عمل ناشی می‌شود. نوزادان قبل از حرف زدن در خلال دوره حسی - حرکتی، نظام‌های عملی منسجم را به طور منطقی در خود رشد می‌دهند. کودکان در دوره پیش‌عملیاتی عمدتاً از استدلال انتقالی استفاده می‌کنند. استدلال انتقالی با تمرکز کودک به وجه خاصی در طول رشته‌ای از یک مورد به مورد دیگر مشخص است. بنابراین استدلال کودک پیش‌عملیاتی نه قیاسی است و نه استقرایی. پیازه معتقد است که تفکر کودکان پیش‌عملیاتی در جایی بین این دو استدلال واقع شده است. به این معنا که کودک از یک امر جزئی به یک امر جزئی دیگر حرکت می‌کند، بدون اینکه به کلیت آن دست یابد. تجهیزات ذهنی مرحله پیش‌عملیاتی را می‌توان به ۴ مورد تقسیم کرد:

۱. زبان علامتی: زبان علامتی در این مرحله به خزانه لغات افزوده می‌شود و کودک قادر به فعالیت رمزی می‌گردد. طبق نظر پیازه تفکر قبل از پیدایش زبان وجود دارد و در چند مرحله از کنش علامتی به سمت زبان علامتی و بعد به زبان بزرگسالی تغییر شکل می‌دهد. بر خلاف پیازه ویگوتسکی بر این عقیده است که وجود زبان به وجود تفکر مقدم است و تفکر شکلی از زبان درونی شده است.

۲. شکل‌گیری فعالیت‌های رمزی: کودک از کنش رمزی استفاده می‌کند. مثلاً عروسکی را به عنوان مادر یا دوست خود برمی‌گزیند و با آن صحبت می‌کند.

۳. تصویر ذهنی: تصاویر ذهنی بازنمای‌های ذهنی کودک از اشیائی هستند که در گذشته و حال با آنها برخورد داشته است. بازی وانمود کردن روشی برای استفاده از بازنمایی‌های ذهنی است.

۴. تقلید در غیاب الگو: در مرحله حسی حرکتی کودک قادر به تقلید معوق شد. اما در صورت غیبت طولانی الگو نمی‌توانست از آن تقلید کند. در این مرحله کودک می‌تواند در غیاب الگو به تقلید الگوی پنهان بپردازد. این تقلید پنهان خود به دلیل پیشرفت مهارت‌های شناختی و بازنمایی‌های ذهنی عمیق میسر می‌شود. نیم‌دوره پیش‌عملیاتی را می‌توان به سه مرحله تقسیم کرد:

۱. مرحله شهودی یا درک مستقیم: (۲ تا ۴ سال) کودک در این مرحله به تجهیزات روانی - ذهنی جدید و خاص مرحله پیش‌عملیاتی مسلح می‌شود.

۲. شکل‌بندی‌های راکد ادراکی (۴ تا ۵ سال) در این مرحله مقدمات عملیات دقیق ریاضی در کودک به وجود می‌آید. اما هنوز عملیات ساده منطقی و بدون خطا توسط کودک امکان پذیر نیست. در این مرحله نوعی گذار از تفکر پیش‌عملیاتی به سمت تفکر عملیاتی در حال شکل گرفتن است. اگر در این مرحله به کودک دو ردیف از اشیاء را که تعداد مساوی دارند بدهیم و از او بخواهیم درمورد مساوی بودن تعداد آنها صحبت کند نمی‌تواند تناظر یک به یک بین اعضاء دو ستون برقرار کند و در دام شکل‌بندی‌های ظاهری ادراکی مثل نوع چیدمان و بزرگی و کوچکی اعضاء هر ردیف گرفتار می‌شود.

۳. مرحله بینابینی یا برزخی (۵ تا ۷ سال) کودک در این مرحله در آستانه ورود به نیم‌دوره بعدی (عملیات عینی) قرار می‌گیرد. در یک آزمایش ترتیب‌بندی یا چیدمان کودک در بخش‌های مختلف (مفصل‌های مختلف) خوب عمل می‌کند.

بازی وانمود کردن: نمونه عالی از رشد بازنمایی ذهنی در اوایل کودکی است. کودکان خردسال از طریق وانمود کردن، طرحواره‌های بازنمایی ذهنی را که به تازگی فرا گرفته‌اند تمرین و نیرومند می‌کنند.

بازی اجتماعی - نمایشی: نوعی وانمود کردن با دیگران است که در ۲/۵ سالگی شروع می‌شود.

محدودیت‌های تفکر پیش‌عملیاتی پیازه: کودکان پیش‌دبستانی را غیر از دستاوردهایی در بازنمایی ذهنی به دست می‌آورند، بر حسب محدودیت‌های آنها توصیف کرد، یعنی آنچه که نمی‌توانند درک کنند. به عقیده پیازه کودکان خردسال قادر به عملیات (اعمال ذهنی که از قواعد منطقی پیروی می‌کنند) نیستند.

خودمحوری از نظر پیازه: اساسی‌ترین نارسایی تفکر پیش‌عملیاتی، خودمحوری است - یعنی ناتوانی در تشخیص دادن نقطه نظرهای نمادین دیگران از نقطه نظرهای خویش. وقتی کودکان برای اولین بار دنیا را به صورت ذهنی بازنمایی می‌کنند، روی نقطه نظر خودشان تمرکز می‌کنند و تصور می‌کنند که دیگران مانند خود آنها درک، فکر و احساس می‌کنند. متقاعدکننده‌ترین دلیل پیازه برای خودمحوری، «مسئله سه کوه» است.

خودمحوری: پیازه معتقد بود که در هر دوره، میان تفکر اجتماعی و تفکر علمی نوعی همخوانی عمومی وجود دارد، مثلاً درست همانطور که کودکان پیش‌عملیاتی در تکالیف مربوط به نگهداری ذهنی موفق به در نظر گرفتن دو بعد نمی‌شوند، آنها همچنین در تعامل با دیگران قادر به توجه به بیش از یک دیدگاه یا نقطه نظر نیستند. کودکان پیش‌عملیاتی غالباً خودمحورند، یعنی هر چیزی را از نقطه نظر شخصی خود مورد توجه قرار می‌دهند. یکی از مشهورترین مطالعات پیازه در مورد خودمحوری در زمینه ادراک کودکان از فضا، انجام شده است که در آزمایش سه کوه مشهود است. تا هنگامی که کودکان خودمحورند به بازی در کنار دیگران علاقه‌مند هستند، آنها پس از اینکه بر خودمحوری فائق آمدند یاد می‌گیرند فعالیت‌هایشان را به صورت مشترک انجام دهند. این گونه بازی توأم با همکاری در مرحله عملیات عینی اتفاق می‌افتد.

پیاژه معتقد است که این مفاهیم متفاوت درباره قوانین، دو نگرش اخلاقی اساسی را آشکار می‌سازد. نخست اینکه ویژگی کودکان کم سن و سال‌تر دگرپیروی اخلاقی، یعنی نوعی اطاعت کورکورانه از قوانینی است که به وسیله بزرگسالان بنا گذاشته شده است. کودکان چنین تصور می‌کنند که تنها یک قانون نیرومند وجود دارد که همواره باید از آن پیروی کرد. دومین نگرش اخلاقی که مربوط به کودکان بزرگتر است، خودپیروی (خودمختاری) است. در این نوع اخلاق، قوانین به مانند ابزارهای انسانی تلقی می‌شود که به صورت منصفانه و برای ایجاد همکاری تدوین شده‌اند. پیاژه معتقد بود که دگرپیروی اخلاقی به خودمحوری وابسته است. کودکان قوانین را از چشم‌اندازی منفرد نگاه می‌کنند که همان چشم‌انداز بزرگسالان قدرتمند است. دگر پیروی اخلاقی به عنوان شکلی از خودمحوری در مقایسه با بازی‌های خودمحورانه که معمولاً کودک در ۷ سالگی بر آن‌ها فائق می‌آید بسیار دیرتر و در حدود ۱۰ سالگی از بین می‌رود.

در مرحله پیش‌عملیاتی خودمیان‌بینی‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند:

- خودمیان‌بینی‌های مستقیم یا فضایی، زمانی و علی. آزمون سه کوه پیاژه برای خودمیان‌بینی فضایی است.
- خودمیان‌بینی‌های غیرمستقیم که در آن‌ها کودک مسئله را با من خود در ارتباط می‌گذارد و شامل: (۱) جاندارپنداری (۲) ساخته‌پنداری (۳) ساخته شدن همه چیز در طبیعت توسط خداست یا به دست انسان.

- خودمیان‌بینی‌های اجتماعی، در رابطه با کاربرد قواعد در فعالیت‌ها مورد توجه هستند. مانند نپذیرفتن قواعد بازی.

خودمحوری، مسئول تفکر جاندارپنداری کودکان پیش‌عملیاتی است. این عقیده که اشیای بی‌جان از ویژگی‌های جاندار، مانند فکر و احساس و هدف برخوردارند.

جاندارپنداری: پیاژه نیز مانند ورنر مشاهده کرد که کودکان کوچک‌تر به آن تمایزی که ما بین موجودات جاندار و بی‌جان قائل می‌شویم توجه ندارند. همانطور که ورنر گفته بود آن‌ها هر چیزی، از جمله اشیاء را به گونه‌ای قیافه‌شناسانه و مملو از زندگی و احساس تصور می‌کنند. پیاژه چنین دیدگاهی را در مورد جهان فیزیکی جاندارپنداری نامید. کودکان به تدریج جاندارپنداری خود را رها می‌کنند و موفق به انجام همان تمایزهایی می‌شوند که بزرگسالان انجام می‌دهند. سرنوشت جاندارپنداری در نظریه پیاژه با آنچه که از ادراک قیافه‌شناسانه ورنر نتیجه می‌شود، متفاوت است. برای ورنر ادراک قیافه‌شناسانه در وجود ما باقی می‌ماند و در دیدگاه‌های هنری و ادبی ما نقش دارد. درحالی‌که از نظر پیاژه جاندار پنداری از بین می‌رود.

طرفداران پیاژه بر این باورند که کودکان ویژگی‌های مختلف رؤیاها را عملاً خودشان کشف می‌کنند. مثلاً کلبه‌گر بر این باور بود که چون کودکان تسلسل رؤیاها را در یک روند ۶ مرحله‌ای غیر قابل تغییر به دست می‌آورند، به همین دلیل تفکر آن‌ها می‌تواند محصول آموزش بزرگسالان باشد.

مشخصه‌های تفکر پیش‌عملیاتی: خودمحوری، جان پنداری، دگر پیروی، داشتن دیدگاهی نسبت به رویدادها به عنوان رویدادهای بیرونی، نبود طبقه بندی، عدم نگهداری ذهنی. در مورد وجه مشترک تفکر پیش‌عملیاتی، پیاژه سعی کرده برخی مشخصه‌های پیش‌عملیاتی را با مفهوم خودمحوری پیوند دهد.

تکالیف نگهداری ذهنی پیاژه: این تکالیف، انواع نارسایی‌ها را در تفکر پیش‌عملیاتی نشان می‌دهند. نگهداری ذهنی به این مفهوم اشاره دارد که برخی از خصوصیات مادی اشیاء حتی زمانی که ظاهر بیرونی آن‌ها تغییر کند، ثابت است. یکی از تکالیف همان تکلیف دو لیوان آب با اشکال مختلف است.

ناتوانی در نگهداری ذهنی، چند جنبه مرتبط تفکر کودکان پیش‌عملیاتی را نشان می‌دهد: اولاً آگاهی آن‌ها متمرکز است، یا با تمرکزگرایی مشخص می‌شود. آن‌ها روی یک جنبه از موقعیت تمرکز می‌کنند و ویژگی‌های دیگر را نادیده می‌گیرند، مثلاً در نگهداری ذهنی کودک روی ارتفاع آب تمرکز می‌کند. ثانیاً ظاهر ادراکی اشیاء به راحتی توجه کودکان را منحرف می‌کند. ثالثاً کودکان با حالت‌های اول و آخر آب به صورت رویدادهای نامربوط برخورد می‌کنند و دگرگونی پویا (ریختن آب) را نادیده می‌گیرند.

• **نگهداری ذهنی کمیت‌های پیوسته (مایعات):** این آزمایش مشهورترین آزمایش پیاژه است. پاسخ‌ها در دو مرحله فرعی پیش‌عملیاتی، متفاوت خواهند بود. در مرحله فرعی اول، کودکان به وضوح در نگهداری ذهنی شکست می‌خورند، یعنی تشخیص نمی‌دهند که کمیت مساوی است. در مرحله فرعی دوم به سوی نگهداری ذهنی حرکت می‌کنند، ولی به آن دست نمی‌یابند، زیرا کودک ضد و نقیض می‌گوید و این حالت نشانگر این است که او به زودی این مغایرت را حل می‌کند و به سوی مرحله نگهداری ذهنی حرکت خواهد کرد. کودکان معمولاً نگهداری ذهنی مایعات را در حدود ۷ سالگی کسب می‌کنند. هنگامی که به این توانایی دست یافتند وارد مرحله عملیات عینی می‌شوند. اصولاً کودکان نگهداری ذهنی را از طریق استفاده از سه نوع استدلال کسب می‌کنند. اول کودک ممکن است بگوید: شما هیچ چیزی اضافه یا کم نکردید، پس باید مساوی باشند. این استدلال را استدلال این‌همانی می‌گویند. یا کودک ممکن است بگوید: این لیوان بلندتر و لیوان دیگر پهن‌تر است، بنابراین آن‌ها بازهم یکسان هستند. این استدلال را استدلال جبرانی می‌نامند، به این معنا که تغییرات یکدیگر را جبران می‌کنند. سوم اینکه کودک ممکن است بگوید مایعات هنوز هم مساوی‌اند زیرا شما می‌توانید محتوای این لیوان را در قبلی بریزید، این استدلال را استدلال وارونه‌سازی می‌نامند. زیربنای این استدلال‌ها عملیات منطقی، یعنی اعمال ذهنی است که برگشت‌پذیر هستند. پیاژه معتقد بود که کودکان به طور خودبه‌خود بر نگهداری ذهنی تسلط می‌یابند.

• **نگهداری ذهنی عدد:** مجدداً در دوره پیش‌عملیاتی، پاسخ‌ها در دو مرحله فرعی قرار می‌گیرند. در مرحله فرعی اول، کودکان تنها به طول ردیف‌های جاتخم‌مرغی توجه می‌کنند و به تعداد جاتخم‌مرغی‌ها در هر ردیف اهمیت می‌دهند. در دومین مرحله پیش‌عملیاتی، کودکان خودبه‌خود نوعی مطابقت یک‌به‌یک را انتخاب می‌کنند و هر تخم مرغ را در یک جاتخم‌مرغی قرار می‌دهند. بر اساس نظریه پیاژه آن‌ها برای به دست آوردن نوعی نظم ادراکی، رویکرد شهودی را مورد استفاده قرار می‌دهند. کودکان نظیر نگهداری ذهنی مایعات، موفق به نگهداری ذهنی نشدند، زیرا بیشتر تحت تأثیر ادراک‌های مستقیم خود بودند تا ادراک منطقی. کودکان در این مرحله

گاهی اوقات در پاسخ‌ها تردید می‌کردند، این حالت تضاد مشخص‌کننده انتقال آن‌ها به مرحله عملیات عینی است. در آزمایش نگهداری ذهنی ماده، از دو گلوله مساوی از خمیر بازی استفاده می‌شود.

سه مرحله بزرگ در مورد مفهوم‌سازی نگهداری ذهنی: پیازه اعتقاد داشت کودکان برای رسیدن به نگهداری ذهنی سه مرحله را پشت سر می‌گذارند:

- **مرحله اول: مرحله نفوذ ناپذیری ذهنی در برابر تجربه:** کودک نسبت به تجربه نفوذناپذیر است. مشاهده امور در وی فرضیه‌های جدیدی بر نمی‌انگیزد. وقتی او را متوجه عدم توافقی بین واقعیت‌ها و تجربه و پیش‌بینی‌های وی می‌نماییم، وی همچنان درباره صحت نظر خود پابرجا باقی می‌ماند.
 - **مرحله دوم: مرحله بین‌بینی یا برزخ:** عدم توافقی که بین پیش‌بینی و آزمایش مشاهده می‌شود به تشکیل فرضیه‌های جدیدی منتهی می‌گردد، مع‌هذا توجیه‌ها و تبیین‌ها جنبه خاصی دارند و متضمن استنتاج اصل نگهداری ذهنی نیستند.
 - **مرحله سوم: مرحله استنتاج:** کودک براساس مشاهده یک امر خاص به استنتاج اصل نگهداری مقدار می‌پردازد.
- برگشت‌ناپذیری:** مهم‌ترین ویژگی غیر منطقی تفکر پیش‌عملیاتی، برگشت‌ناپذیری آن است. یعنی ناتوانی در طی کردن یک سری مراحل در یک مسئله و بعد تغییر جهت دادن و برگشتن به نقطه شروع.

مسئله گنجاندن در طبقه: کودکان پیش‌دبستانی که فاقد عملیات منطقی هستند در طبقه‌بندی سلسله‌مراتبی مشکل دارند، سازمان دهی اشیاء در طبقات و زیرطبقات براساس شباهت‌ها و تفاوت‌ها. مسئله گنجاندن در طبقه پیازه این محدودیت را نشان می‌دهد.

بررسی نظرات پیازه: در مورد نظرات پیازه در مرحله پیش‌عملیاتی انتقاداتی شده که برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- تعدادی از مسئله‌های پیازه عناصر ناآشنا یا اطلاعات زیادی را دربردارند که حل کردن یکباره آن‌ها برای کودکان دشوار است. پاسخ‌های کودکان پیش‌دبستانی توانایی‌های واقعی آن‌ها را منعکس نمی‌کنند.
- استدلال غیرمنطقی فقط زمانی روی می‌دهد که کودکان پیش‌دبستانی با موضوعات ناآشنا، اطلاعات خیلی زیاد یا واقعیت‌های متضادی که رفع و رجوع کردن آن‌ها دشوار هستند، سروکار داشته باشند.
- شواهدی که نشان می‌دهند، عملیات منطقی به تدریج ایجاد می‌شوند، چالش دیگری را برای مفهوم مرحله‌ای پیازه به وجود می‌آورند که فرض می‌کند در حدود ۶ یا ۷ سالگی تغییر ناگهانی به سمت استدلال منطقی روی می‌دهد. شواهدی که نشان می‌دهند که تفکر پیش‌عملیاتی به تدریج ظرف سال‌های پیش‌دبستانی رشد می‌کند نه به صورت ناگهانی در حدود ۶ یا ۷ سالگی، مفهوم مرحله‌ای پیازه را به چالش می‌طلبند.
- در مرحله پیش‌عملیاتی کودکان در سطح اخلاقی **دگرپیرو** قرار دارند. کودکان کاملاً تابع قوانین و مقررات والدین و بزرگترها هستند و این قوانین را غیرقابل انعطاف و ازلی می‌دانند. کودک در این مرحله در صورت تخطی از قوانین دچار عذاب وجدان و شرم می‌شود. ناپیروی اخلاقی مرحله حسی حرکتی یا همان فقدان مهار درونی در ارضاء نیازهای شخصی جای خود را به دگرپیروی می‌دهد.
- مهم‌ترین نقص تفکر پیش‌عملیاتی عدم وجود **نگهداری ذهنی** است. به این معنا که برخی از ویژگی‌های مادی اشیاء حتی هنگامی که ظاهر آنها تغییر نکرده باشد ثابت هستند. «بازگشت‌ناپذیری» مهم‌ترین خصیصه فکری این مرحله از تفکر است که به ناتوانی در نگهداری ذهنی می‌انجامد. کودک نمی‌تواند به صورت ذهنی جهت مساله را به صورت برعکس در طول زمان طی کند و مثلاً وقتی خمیر مجسمه‌سازی اش کش می‌آید و از عرض آن کم و به طول آن اضافه می‌شود نمی‌تواند مساله را وارونه کند و نتیجه بگیرد که مقدار خمیر او در طول فرآیند کش آمدن ثابت مانده است.

• مرحله ۳: مرحله عملیات عینی (۷ - ۱۱ سالگی)

از ۷ تا ۱۱ سالگی ادامه دارد و نقطه عطفی را در رشد شناختی نشان می‌دهد. تفکر خیلی بیشتر منطقی، انعطاف‌پذیر و منظم‌تر از گذشته است. توانایی انجام دادن تکالیف نگهداری ذهنی دلیل روشنی برای عملیات است - اعمال ذهنی که از قواعد منطقی تبعیت می‌کنند. ظرفیت نگهداری ذهنی بر پایه بازگشت‌پذیری استوار است؛ برگشت‌پذیری یعنی توانایی فکر کردن به یک رشته مراحل و بعد تغییر جهت دادن ذهنی و برگشت به نقطه آغاز. شکل‌گیری قطعی ساخت‌های «گروه‌های ریاضی» به توانایی طبقه‌بندی کردن و ردیف کردن دقیق منجر می‌شود. مهم‌ترین محصول این مرحله رسیدن به ظرفیت نگهداری ذهنی است. یعنی درک ثبات کمی اجسام و ویژگی‌های فیزیکی و ذاتی آنها علیرغم تغییر ظاهری آنها.

ظرفیت درون‌گنجی: در این مرحله کودک قادر به انجام طبقه‌بندی دقیق (درک جزء و کل) می‌شود که به آن ظرفیت درون‌گنجی گفته می‌شود. کودک مرحله پیش‌عملیاتی قادر به درک رابطه جزء و کل نیست و ممکن است اگر خانه بزرگی داشته‌باشند خانه خودشان را از مجموع خانه‌های شهر بزرگتر بدانند.

تمرکز زدایی: یعنی به جای تمرکز کردن روی فقط یک جنبه از مسئله، روی چند جنبه از آن تمرکز کرده و آن‌ها را مرتبط کنیم.

طبقه بندی: کودکان بین ۷ تا ۱۰ سالگی می‌توانند مسئله گنجاندن در طبقه پیازه را حل کنند.

ردیف کردن: توانایی مرتب کردن چیزها طبق بعد کمیت، مانند طول و وزن، ردیف کردن نامیده می‌شود. کودکی که در مرحله عملیات عینی قرار دارد می‌تواند به صورت ذهنی نیز ردیف کند که این توانایی را "استنباط فرارونده" می‌نامند. کودکان ۷ تا ۸ ساله می‌توانند استنباط فرارونده انجام دهند.

نگهداری ذهنی: در تبیین نگهداری ذهنی، کودکان به سه نوع استدلال متوسل می‌شوند:

۱- **این‌همانی:** نه چیزی به آن افزوده شده و نه چیزی از آن برداشته شده، بلکه همان که بوده باقی مانده است. این همانی حاصل بازگشت‌پذیری است و نه علت آن.

۲- **تصور عمل وارونه یا امکان برگرداندن یک شیء به حالت اول آن:** کودک می‌تواند خمیر تغییر شکل یافته را به حالت اول برگرداند چون می‌توان به نقطه شروع بازگشت، در نتیجه نگهداری ذهنی وجود دارد. تغییر شکل عمل است که در دو جهت انجام می‌پذیرد و محصول مستقیم بازگشت‌پذیری است.

۳- **جبران:** نوعی بازگشت‌پذیری است که در مورد روابط اشیاء به کار بسته می‌شود. مثلاً در نگهداری ذهنی وقتی دو شیء چوبی مساوی A و B را به صورت موازی و از لحاظ انتها ناهم‌تراز قرار می‌دهیم، کودک نیم‌دوره قبلی بر حسب تمرکز روی این سوی تیره‌چوب‌ها یا آن سوی تیره‌چوب‌ها، طول A یا B را بر حسب مورد نسبت به دیگری بیشتر می‌داند. در حالی که در این نیم‌دوره تفاوت A در یک سو تفاوت B در سوی دیگر را جبران می‌کند و تساوی آن‌ها را به رغم ناهم‌ترازی آن‌ها مورد تأیید قرار می‌دهد.

نکته: نگهداری ذهنی عدد، ماده و طول در ۷ سالگی، وزن و مساحت در ۹ سالگی و حجم و فضا در ۱۱ سالگی حاصل می‌گردند.

* تحول اخلاقی در مرحله عملیات عینی بدین صورت است که فرد از دگرپیروی خارج می‌شود و به سمت «خودپیروی» گرایش می‌یابد. قوانین دیگر شکل ثابت، همیشگی و تغییرناپذیر خود را به حالتی منعطف تغییر می‌دهند. در اخلاق خودپیرو، قوانین ابزارهایی خودساخته و انسانی قلمداد می‌شوند که منصفانه برای بهبود و شکل‌گیری همکاری تدوین شده‌اند. به اعتقاد پیاژه بعد از ۱۰ سالگی کودکان به مرحله خودپیرو می‌رسند.

نقشه‌های شناختی: یعنی بازنمایی ذهنی آن‌ها از فضای بزرگ آشنا، مانند محله یا مدرسه.

محدودیت تفکر عملیات عینی: تفکر عملیات عینی یک محدودیت مهم دارد؛ کودکان فقط در صورتی قادر به تفکر منطقی و منظم هستند که با اطلاعات عینی سر و کار داشته باشند که بتوانند مستقیماً آن‌ها را مشاهده کنند. عملیات ذهنی آن‌ها در مورد مفاهیم انتزاعی - مفاهیمی که در دنیای عملی آشکار نیستند - ضعیف است. کودکان دبستانی مرحله به مرحله نه یک دفعه، بر تکالیف عملیات عینی پیازه تسلط می‌یابند. برای مثال آن‌ها معمولاً نگهداری ذهنی عدد را قبل از نگهداری ذهنی طول، حجم و مایع درک می‌کنند. این پیوستار فراگیری مفاهیم منطقی، دلیل دیگری برای محدودیت تفکر عملیات عینی است. مفهوم نگهداری عدد و در طول در ۶ تا ۷ سالگی، مفهوم بقای ماده در ۷ تا ۸ سالگی، مفهوم نگهداری وزن در ۹ سالگی، مفهوم نگهداری سطح در ۹ تا ۱۰ سالگی و مفهوم نگهداری حجم در ۱۱ سالگی روی می‌دهد.

بررسی نظرات پیازه: در مورد نظرات پیازه در مرحله عملیاتی عینی انتقاداتی شده که برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- به عقیده پیازه رشد مغز، همراه با تجربه در دنیای بیرونی غنی و متنوع، باعث می‌شود که کودکان در هر کجای دنیا به مرحله عملیات عینی برسند. اما شواهد اخیر نشان می‌دهند که شیوه‌های فرهنگی و تحصیلی خاص با تسلط در تکالیف پیازه ارتباط زیاد دارند.
- برخی پژوهشگران نتیجه گرفتند که انواع منطقی که تکالیف پیازه به آن‌ها نیاز دارند، به طور خودانگیخته نمایان نمی‌شوند، بلکه قویاً تحت تأثیر آموزش، موقعیت و شرایط فرهنگی قرار دارند. برخی از نظریه‌پردازان نوپیازه‌ای معتقدند که رشد تفکر عملیاتی را بر حسب افزایش سرعت پردازش اطلاعات بهتر از انتقال ناگهانی به مرحله جدید می‌توان درک کرد.

ساختارهای مفهومی اساسی: بعد از اینکه طرحواره‌های مرحله پیازه به قدر کافی خودکار شدند، حافظه‌ی فعال، آن‌ها را در بازنمایی بهتر ادغام می‌کند. در نتیجه کودکان، ساختارهای مفهومی اساسی را فرا می‌گیرند - شبکه مفاهیم و ارتباط‌هایی که به آن‌ها امکان می‌دهد که در مورد انواع موقعیت‌ها به نحو مؤثرتری فکر کنند. پیازه درست می‌گفت که کودکان پیش‌دبستانی بسیاری از مسائل را به صورت منظم و منطقی حل می‌کنند که در اوایل کودکی این امکان را نداشتند، ولی در مورد اینکه آیا این تفاوت به علت پیشرفت پیوسته در مهارت‌های منطقی یا بازسازی ناپیوسته تفکر کودکان روی می‌دهد، اختلاف نظر کماکان ادامه دارد. بنابراین شاید ترکیبی از عقاید پیازه و پردازش اطلاعات برای آگاهی یافتن از رشد شناختی در اواسط کودکی نویدبخش‌تر باشد.

پردازش اطلاعات: برخلاف تمرکز پیازه روی تغییر شناختی کلی، دیدگاه پردازش اطلاعات، جنبه‌های مجزای تفکر را بررسی می‌کند. توجه و حافظه که زیر بنای هر عمل شناختی هستند، در اواسط کودکی اهمیت دارند.

کودکانی که در سطح عملیات عینی هستند، قادرند به دو جنبه از مشکل به طور همزمان توجه کنند. بنابراین توانایی هماهنگ کردن همزمان دو چشم‌انداز، پایه و اساس تفکر علمی و همچنین تفکر اجتماعی را تشکیل می‌دهد.

نکته مهم: در برخی منابع مرحله ۲ و ۳ را از هم جدا نمی‌دانند و آن‌ها را دو نیم‌دوره از مرحله عملیات عینی (۲ تا ۱۱ سالگی) می‌دانند که به صورت زیر تقسیم بندی می‌شود:

۱- نیم‌دوره اول: نیم‌دوره نمادی - پیش‌عملیاتی (۲ تا ۷ سالگی):

۱- **مرحله شهودی یا درک مستقیم (۲ تا ۴ سالگی):** این مرحله مهم‌ترین مرحله تجهیز سازمان روانی به ابزارهای جدید ذهنی قلمداد می‌شود. گسترش‌دهی و استقرار سریع تجهیزات ذهن جدید که شامل زبان یا کنش علامتی، فعالیت‌های رمزی، شکل‌گیری تصویر ذهنی و تقلید الگوی پنهان است. به اعتقاد ژان پیازه وقتی کودکان در حل مسئله موفق هستند ولی از اصول به کار رفته در آن آگاه نیستند از منطق شهودی کمک می‌گیرند.

۲- **مرحله شکل‌بندی‌های راکد ادراکی (۴ تا ۵ سالگی):** در این مرحله در عین حال که کنش‌های نمادی در حال گسترش هستند، مقدمات به کارگرفتن ظرفیت عملیاتی نیز در کودک قابل ردیابی است. کودک در برابر یک مسئله عملیاتی از نوع مطابقت دادن دو ردیف از اشیاء در شکل «مطابقت یک با یک» در دام شکل‌بندی‌های ادراکی گرفتار است.

۳- **مرحله بین‌بینی یا مفصلی (۵ تا ۷ سالگی):** کودک در آستانه ورود به نیم‌دوره بعد قرار دارد.

۲- **نیم‌دوره دوم: نیم‌دوره استقرار عملیات منطقی عینی و گسترش نگهداری‌های ذهنی (۷ تا ۱۱ سالگی).** نیم‌دوره دوم دارای دو مرحله است:

۱- **مرحله اول:** که در چهارچوب آن عملیات ساده و نگهداری‌های ذهنی تحقق می‌یابند.

۲- **مرحله دوم:** شاهد تکمیل برخی از نظام‌های جامع در زمینه فضا و زمان هستیم. در این مرحله وسیع‌ترین عملیات منطقی عینی (طبقه‌ها، روابط و اعداد) درباره اشیاء به کار بسته می‌شوند.

• مرحله عملیات صوری (۱۱ سالگی تا بزرگسالی)

در دوره عملیات عینی، کودکان می‌توانند بر اساس اعمال ذهنی خود به طور نظام‌دار فکر کنند، ولی این قابلیت آن‌ها محدودیتی نیز دارد، آن‌ها تا زمانی می‌توانند منطقی و نظام‌دار فکر کنند که اشیای ملموسی در اختیار داشته باشند و بتوانند به طور واقعی روی آن‌ها عمل کنند. در مقابل در خلال عملیات صوری تفکر به قلمرو انتزاع مطلق و فرضی صعود می‌کند (توانایی استدلال انتزاعی). این مرحله به عقیده پیازه در حدود ۱۱ سالگی آغاز می‌شود. نوجوانان در این مرحله توانایی تفکر انتزاعی، منظم و علمی را پرورش می‌دهند. درحالی‌که کودکان در مرحله عملیات عینی می‌توانند طبق واقعیت عمل کنند، نوجوانان در مرحله عملیات صوری قادرند طبق عمل کنند؛ به عبارت دیگر آن‌ها به عنوان موضوعات تفکر، دیگر به اشیاء و رویدادهای عینی نیاز ندارند. در این مرحله آزمودنی با جانشین ساختن تعبیر لفظی اشیاء به جای اشیاء، یعنی به کمک جمله‌ها یا گزاره‌ها، منطق قضایا را به کار می‌بندد. ظهور عملیات ترکیبی در گسترش و تحکیم قدرت فکر اهمیت اساسی دارد. می‌توان اشیاء یا عوامل یا افکار و قضیه‌ها را با هم ترکیب کرد و در نتیجه در هر مورد براساس واقعیت مفروض به استدلال پرداخت. مثال بارز فکر ترکیبی در آزمایش مشهور بطری‌های محلول‌های بی‌رنگ به نمایش درمی‌آید.

با ورود به دوره عملیات صوری، نوجوانی آغاز می‌شود و بزرگترین خصیصه فکری نوجوان یعنی «بعد ممکن» ظاهر می‌شود. نوجوان در این مرحله خود را واجد ظرفیت‌های نامتناهی می‌داند که او را به عرصه‌های مختلف علمی، اجتماعی و سیاسی می‌کشاند.

ویژگی‌های عملیات صوری

• **استدلال فرضی - قیاسی:** به اعتقاد پیازه یکی از توانایی‌هایی که نوجوانان در مرحله عملیات صوری کسب می‌کنند «استدلال فرضی - قیاسی» است. وقتی آن‌ها با مساله‌ای روبه‌رو می‌شوند، فرضیه یا پیش‌بینی درباره متغیرهایی را شروع می‌کنند که ممکن است بر نتیجه تأثیر بگذارند. بعداً از این فرضیه استنباط‌های منطقی و آزمون‌پذیر را استنتاج می‌کنند. به این صورت که به طور منظم متغیرها را جدا و ترکیب می‌کنند تا ببینند کدام استنباط‌ها در دنیای عملی تأیید می‌شوند. در مقابل کودکانی که در عملیات عینی هستند با واقعیت شروع می‌کنند؛ با واضح‌ترین پیش‌بینی‌ها درباره یک موقعیت. در صورتی که این پیش‌بینی‌ها تأیید نشوند، معمولاً نمی‌توانند به گزینه‌های دیگر فکر کنند و قادر نیستند مسئله را حل کنند.

• **مسئله پاندول:** در مسئله پاندول معروف پیازه، استدلال فرضی - قیاسی نوجوانان مورد آزمون قرار می‌گیرد که مربوط به مرحله عملیات صوری است.

• **تفکر گزاره‌ای:** دومین ویژگی مهم مرحله عملیات صوری پیازه «تفکر گزاره‌ای» است. توانایی نوجوانان در ارزیابی منطق گزاره‌ها (اظهارات کلامی) بدون ارجاع به شرایط دنیای عملی. در مقابل، کودکان در مراحل قبل فقط می‌توانستند اظهارات را با در نظر گرفتن آن‌ها در برابر شواهد عینی در دنیای عملی ارزیابی کنند.

• **عملیات به توان دو:** در این مرحله کودک می‌تواند بین روابط هم روابط برقرار کند و تناسب‌ها را بین مفاهیم مختلف شکل‌دهد. عملیات عینی مرحله عملیات به توان یک است و کودک در آن مرحله فقط می‌تواند بین اشیاء و محیط ملموس روابطی برقرار کند.

دو تحریف شناختی: طرفداران پیازه معتقدند که دو برداشت تحریف شده در رابطه بین خود و دیگران پدیدار می‌شود:

• **تحریف شناختی اول:** تماشاگران خیالی نامیده می‌شود، بدین معنی که نوجوان تصور می‌کند که کانون توجه دیگران قرار دارد. در نتیجه آن‌ها شدیداً خودآگاه شده و اغلب برای اجتناب از اینکه شرمند شوند، تلاش زیادی به خرج می‌دهند.

• **تحریف شناختی دوم:** افسانه شخصی است؛ چون نوجوانان خیلی اطمینان دارند که دیگران آن‌ها را مشاهده می‌کنند و به آن‌ها فکر می‌کنند، عقیده کاذبی را درباره اهمیت خود پرورش می‌دهند. آن‌ها احساس می‌کنند که استثنایی و منحصر بفرد هستند.

خودمحوری در نوجوانی: پیازه معتقد بود که تفکر ایده‌آلیستی و آرمان‌گرایی نوجوانان، نوعی خودمحوری را با خود به همراه دارد. نوجوانان به دنیایی بسیار وسیع - دنیای احتمالات و امکانات - وارد می‌شوند و خودمحوری بار دیگر همچون مراحل قبل، اما به گونه‌ای دیگر نمایان می‌شود. این بار خودمحوری هنگامی مشاهده می‌شود که نوجوانان نیروی نامحدودی را به افکار خود نسبت می‌دهند. آن‌ها بدون اینکه افکار خود را در واقعیت بیازمایند در رویای یک آینده پرشکوه یا تغییر دادن جهان همگام با اندیشه‌هایشان فرو می‌روند. از دیدگاه پیازه آخرین تفکر غیرمرکزی در نوجوانان هنگامی به وقوع می‌پیوندد که آن‌ها عملاً نقش بزرگسالان را بر عهده دارند.

نظریه دیالتیکی در مدل پیازه: در یک مدل صوری از تغییرات رشد که پیازه آن را تعادل‌جویی می‌نامد، مفهوم تعارض دخالت دارد. ما قبلاً این مدل را بدون ذکر نام آن و در هنگام توصیف اینکه کودکان چگونه به نگهداری ذهنی نایل می‌آیند، مورد بحث قرار دادیم. هنگامی که کودک هم در مورد طول و هم در مورد عرض خمیر

فکر می‌کند، دچار سردرگمی می‌شود. این تعارض کودک را به دریافت این موضوع که یک تغییر دیگر را مشخص می‌سازد تحریک می‌کند و به دستیابی به نگهداری ذهنی منجر می‌شود. در مدل تعادل جویی پیازه سعی می‌شود به این امکان که کودک ابتدا یک بعد سپس بعد دیگر و بالاخره هر دو بعد را مورد توجه قرار می‌دهد، یک احتمال عددی اختصاص یابد. در فلسفه، این مدل تعادل جویی پیازه یک نظریه دیالکتیکی خوانده می‌شود. نظریه دیالکتیکی یا جدل، مبتنی بر این است که تغییر هنگامی اتفاق می‌افتد که اندیشه‌های ما با رویداد مخالفی مواجه شود که ما را بر می‌انگیزاند تا اندیشه‌های بهتری تدوین کنیم.

نظر نویپازه‌ای‌ها در مورد عملیات صوری: گروهی از روان‌شناسان مانند فیشر و کیس به عنوان نظریه‌پردازان نویپازه‌ای، به تصریح تغییراتی ساختاری پس از دوره عملیات صوری پرداخته‌اند و نقطه‌های پایانی نوجوانی و تحول‌شناختی در بزرگسالی را به عنوان «نرم‌ساختار» در مقابل «سخت‌ساختار» که معرف ساخت به معنایی است که پیازه آن را مشخص می‌سازد، قلمداد کرده‌اند.

اصول آموزشی پیازه

۳ اصل آموزشی که از نظر پیازه حاصل شده‌اند:

- **یادگیری اکتشافی:** کودکان ترغیب می‌شوند از طریق تعامل خودانگیخته با محیط خودشان کشف کنند. معلمان به جای اینکه صرفاً دانش حاضر و آماده‌ای را ارائه دهند، انواع مطالب غنی را که به منظور کاوش کردن طراحی شده‌اند، عرضه می‌کنند.
 - **حساسیت نسبت به آمادگی کودکان برای یادگیری:** معلمان سعی نمی‌کنند با تحمیل کردن مهارت‌های جدید قبل از اینکه کودکان نشان دهند که به آن‌ها علاقه‌مند هستند و برای آن‌ها آمادگی دارند، رشد را سرعت بخشند.
 - **پذیرفتن تفاوت‌های فردی:** معلمان به جای اینکه فعالیت‌هایی را برای کل کلاس برنامه‌ریزی کنند، باید آن‌ها را متناسب با هر فرد و گروه‌های کوچک طراحی کنند. آن‌ها به ارزیابی کودکان براساس معیارهای هنجاری یا عملکرد متوسط همسالان، کمتر علاقه دارند.
- اصولاً فلسفه تربیتی کلی پیازه مشابه روسو و مونتسوری است. برای پیازه نیز یادگیری صحیح چیزی نیست که به وسیله معلم حاصل شود، بلکه از خود کودک برمی‌خیزد. یادگیری فرایندی از اکتشاف و ابداع خودانگیزنده می‌باشد. پیازه نیز مانند روسو و مونتسوری به اهمیت تناسب آموزش با سطح رشد تأکید داشت. با این وجود پیازه در یک نکته با روسو و مونتسوری هم‌عقیده نبود. او برای تعامل‌های اجتماعی ارزش تربیتی بیشتری قائل بود. کودکان در هنگام ارتباط با افراد تا حدی از طریق توجه به دو یا چند نقطه نظر از سوی آن‌ها یاد می‌گیرند که به طور منطقی فکر کنند و به عبارت دیگر همزمان دو بعد را باهم هماهنگ سازند.
- کوشش‌هایی برای وارد ساختن اندیشه‌های پیازه به کلاس درس به ویژه در مرحله پیش‌دبستانی و سال‌های اولیه تحصیل انجام شده است. یکی از افراد الهام بخش و مدافع چنین رویکردی «کنستانس کامی» است. کامی نیز مانند روسو و مونتسوری در مقایسه با علاقه‌ی کودکان به فکر کردن برای حجم دانشی که آن‌ها به دست می‌آورند اهمیت کمتری قائل است.

رشد اخلاقی از نظر پیازه

پيازه براساس نظر کودکان ۵ تا ۱۳ ساله درباره منشأ مقررات و قضاوت اخلاقی آن‌ها درباره رفتار شخصیت‌ها در داستان‌ها، دو مرحله اصول اخلاقی گسترده را مشخص کرد:

- **مرحله اول:** اصول اخلاقی دگرمختار، تقریباً از ۵ تا ۱۰ سالگی ادامه دارد. به طوری که که از کلمه دگر مختار (یعنی تحت اختیار دیگری) برمی‌آید، کودکان تصور می‌کنند که مقررات را صاحبان قدرت (خدا، والدین، معلمان) به صورت دائمی و تغییر ناپذیر وضع می‌کنند و حتماً باید از آن‌ها اطاعت کرد. در ضمن آن‌ها هنگام قضاوت کردن درباره غلط بودن یک عمل، به جای قصد صدمه زدن روی پیامدها تمرکز می‌کنند.
 - **مرحله دوم:** هنگامی که کودکان به نوجوانی می‌رسند وارد مرحله اصول اخلاقی خودمختار می‌شوند. اکنون آن‌ها دیگر مقررات را به صورت ثابت در نظر نمی‌گیرند، بلکه به صورت اصول انعطاف‌پذیری می‌انگارند که در مورد آن‌ها توافق اجتماعی صورت گرفته و در صورت لزوم می‌توانند تغییر کنند. افراد در این مرحله می‌فهمند که قصدها، نه فقط پیامدها، باید مبنایی برای قضاوت کردن رفتار باشند. پیازه معتقد بود که این پیشرفت در قضاوت اخلاقی براساس پیشرفت در درک دیدگاه دیگران استوار است که از رشد شناختی و فرصت تعامل کردن با همسالان حاصل می‌شود. در اینجا اساس بر **تقابل** است.
- باید توجه داشت کودک در دوره حسی حرکتی مفهوم پیروی را نمی‌فهمد. در نتیجه ما در این سن شاهد تقلید نیستیم. به این اخلاق اصطلاحاً اخلاق ناپیروی می‌گویند.
- اخلاق واقع‌گرا و نسبی‌گرا:** در اخلاق واقع‌گرا، کودک بر اساس پیامد عمل قضاوت می‌کند. در اخلاق نسبی‌گرا، کودک بر اساس نیت عمل قضاوت می‌کند.
- انتقاد:** برداشت پیازه از کودکان خردسال به صورت موجودات انعطاف‌ناپذیر، بیرونی و متمرکز بر پیامدهای مادی، توانایی‌های اخلاقی آن‌ها را دست کم می‌گیرد.

عوامل تحول روانی از دید پیازه

۱- **عامل رشد داخلی (maturation):** = نضج، رشد، پختگی: مجموعه تحولات در زمینه‌ی جسمی به خصوص سلسله اعصاب اتفاق می‌افتد. این مورد شرط لازم اما نه کافی تحول روانی است. مبنای تحول و رشد زیستی است. همیشه آموزش بعد از رشد داخلی است. الگوی رشد داخلی بین همه یکسان است (بین دو جنس فرق دارد).

۲- عامل تفویض‌های اجتماعی یا تعامل‌های اجتماعی: هر فردی با هر پختگی با دیگران در تعامل است. حتی در کودک خردسال و نوزاد هم دیده می‌شود که اولین آن با مادر است، بعد با همسال‌ها و بعد با جامعه. ما رگه‌های رفتاری را در همدیگر بدون اینکه بخواهیم ایجاد می‌کنیم که این نتیجه‌ی تعامل است. هرچه فرد را از تعامل دور کنیم او را از تحول و رشد روانی دور می‌کنیم. مثلاً بچه‌ای که مضطرب است رگه‌های آن را از مادر می‌گیرد. در خانواده‌ای که ریتم زندگی آن تند است، اضطراب کودکان بیشتر است. نظم‌جویی افراطی مادر باعث وسواسی شدن فرزند می‌شود.

تنظیم هیجان (regulation): فرد در هر موقعیتی متناسب با آن، رفتار هیجانی نشان می‌دهد که در وهله‌ی اول به وسیله‌ی همسالان اتفاق می‌افتد. از همسالان دلگرمی می‌گیرد و به آن‌ها هم دلگرمی می‌دهد. (۱- تعامل با مادر ۲- تعامل با همسالان)

رگه (Trait): نشانه‌ای از یک امر ثابت درونی است. صفتی که یک منبع درونی دارد ولی در بیرون مشخص است. اگر منبع درونی نداشته باشد ما به آن عملکرد (Performance) می‌گوییم.

۳- عامل تمرین و تجربه (experience): در اثر تمرین تجربه‌ی فرد بالا می‌رود. بهترین نوع تمرین توسط خود کودک انجام می‌شود و کسی برای او انجام نمی‌دهد. یعنی به طور فعال، و بهترین نوع دست‌ورزی است که می‌تواند به خاطر اکتشاف باشد (بازی‌های کنشی).

۴- تعادل جویی (equilibration) (عامل اصلی تحول- موجد تحول): همگن و هماهنگ کردن ۳ عامل دیگر. تعریف: سیر مداوم و مستمر رسیدن به تعادل از بی‌تعادلی، که این سیر در انسان ذاتی است. انسان تا به بی‌تعادلی می‌رسد میل به تعادل دارد. در پی بی‌تعادلی نوعی تنش هم ایجاد می‌شود و تعامل با رضایتمندی مرتبط است (تا به تعادل نرسیم به آرامش نمی‌رسیم). البته بی‌تعادلی هم لازم است که باعث پیشرفت و رشد می‌شود. موتور روانی انسان به خاطر این مسیر است. زمان بی‌تعادلی همیشه در انسان بیشتر از تعادل است. هرچه سن جلوتر می‌رود بی‌تعادلی کمتر می‌شود، چون رشد کمتر می‌شود. هرچه کودک را بیشتر در بی‌تعادلی قرار دهیم میل به تعادل بالا می‌رود و در نتیجه رشد بیشتری رخ می‌دهد. پس توصیه می‌شود محرک‌هایی که باعث بی‌تعادلی می‌شوند را بیشتر به بچه ارائه کنیم.

سایر نکات

- چون زمان بیشترین انطباق، سال‌های اولیه است، مرحله حسی - حرکتی پیچیده‌ترین دوره رشد پیازه است.
- پیازه بازتاب‌های نوزاد را عناصر اصلی هوش حسی - حرکتی می‌داند.
- در مراحل حسی - حرکتی نوزادان، مفاهیم پایداری شیء، زمان و فضا و همچنین قابلیت بازداري را در خود رشد می‌دهند.
- خودمحوری به کودکان اجازه نمی‌دهد تا درباره تفکر خود بیاندیشند و برون‌سازی کنند و بدین ترتیب به تفکر جاندارپنداری، تمرکزگرایی، یا تمرکز کردن روی ظواهر ادراکی و برگشت‌ناپذیری کمک می‌کند. این مشکلات باعث می‌شود که کودکان پیش‌دستانی نتوانند نگهداری ذهنی کنند و تکالیف طبقه‌بندی سلسله‌مراتبی را انجام دهند.
- بنا بر نظریه تحولی پیازه، دستیابی به عملیات صوری یا فکر انتزاعی در نوجوانی به منزله رسیدن به یک تعادل پایانی است و در این شکل کلی، تعادل را می‌توان نهایی دانست، به این معنا که در طول گستره زندگی فردی تغییر نمی‌یابد.
- به طور خلاصه پیازه کودکان پیش‌عملیاتی را بسیار منفی تصور کرده بود و بیشتر بر نقائص منطقی آن‌ها تأکید می‌ورزید.
- استحکام شیء: یک شیء نمیتواند از طریق شیء دیگر حرکت کند.
- از نظر پیازه تحول شناختی زیربنای تحول اخلاقی است.
- از نظر پیازه تحول اخلاقی کودک، پس از رشد شناختی شدیداً به گروه همسالان وابسته است.
- کورت فیش و رابی کیس از نظریه‌پردازان نوییازه‌ای هستند.
- پیازه و کلبرگ تحول اخلاقی را به منزله فرآیندی می‌دانند که با تحول شناختی همزمان است و تحول اخلاقی تابع تراز تحول شناختی فرد و توانایی وی در فهم نقطه‌نظر دیگران و مبادلات وی با بزرگسالان و دیگر کودکان است.
- سازش ← تعادل بین درون‌سازی و برون‌سازی.
- کنش سازمان (سازماندهی یا سازمان‌یافتگی) که معرف رابطه اجزاء با کل است از کنش سازش جدایی‌ناپذیر است. این دو کنش مکمل یکدیگرند، چرا که سازش زمانی تحقق یافته است که سازماندهی شده باشد.
- یکی از آزمایش‌های پیازه برای بررسی نگهداری ذهنی مقدار، حل کردن یک حبه قند در آب است. جاندارپنداری (زنده دانستن اشیاء بی‌جان) در ۴ مرحله پیشرفت می‌کند:

۱. مرحله اول بین ۳ تا ۶ سالگی: کودک تصور می‌کند هر چیز فعال و متحرکی مثل قطار جاندار است.
 ۲. مرحله دوم بین ۶ تا ۸ سالگی: کودک جاندار بودن را به اشیاء متحرک نسبت می‌دهد و دیگر خورشید را جاندار نمی‌داند.
 ۳. مرحله سوم بین ۸ تا ۱۰ سالگی: کودک اشیاء متحرکی را جاندار می‌داند که به خودی خود حرکت می‌کنند.
 ۴. از یازده سالگی به بعد کودک تحت آموزه‌های دیگران و تحول ذهنی شخصی خود به این نتیجه می‌رسد که فقط گیاهان، جانوران و انسان‌ها جاندارند.
- * تفاوت پیازه و ویگوتسکی: طبق نظر پیازه زبان نقشی اساسی در تحول تفکر کودک ندارد. تحول تفکر سیر اصلی خود را دارد که از کنش‌های حسی-حرکتی شروع می‌شود و به عملیات صوری خاتمه می‌یابد. زبان صرفاً بخشی از این تحول است که از کنش علامتی به زبان علامتی و بعد به زبان بزرگسالی تحول می‌یابد. اما برعکس،

سؤالات:

- ۱- "کلبرگ" مرحله‌ای را که کودک به دلیل دریافت پاداش از مقررات پیروی می‌کند، چه می‌نامد؟ (سراسری ۸۷)
- (۱) ابزارگونه نسبی (۲) پیمان اجتماعی (۳) تعامل اجتماعی (۴) دختر خوب - پسر خوب
- ۲- در کدام مرحله از مراحل رشد اخلاقی کلبرگ کودک قوانین را کاملاً ثابت و مطلق در نظر نمی‌گیرد؟ (سراسری ۹۲)
- (۱) لذت گرایی نسبی (۲) سوگیری اطاعت و تنبیه (۳) پایداری نظم اجتماعی (۴) سوگیری پسر خوب / دختر خوب
- ۳- اگر فردی به دلیل مغایرت دروغ با عرف اجتماعی از گفتن آن سرباز زند، او را از نظر اخلاقی..... می‌نامیم. (سراسری ۸۷)
- (۱) پیش قراردادی (مرحله اول) (۲) پیش قراردادی (مرحله دوم) (۳) قراردادی (مرحله سوم) (۴) قراردادی (مرحله چهارم)
- ۴- این استدلال که در صورت وجود گزینه بهتر برای قوانین اجتماعی، می‌توان آن‌ها را تغییر داد، از نظر کلبرگ در کدام مرحله رشد اخلاقی قرار می‌گیرد؟ (سراسری ۹۴)
- (۱) سطح اول مرحله دوم (۲) سطح دوم مرحله سوم (۳) سطح دوم مرحله چهارم (۴) سطح سوم مرحله پنجم

پاسخ‌ها:

۱. گزینه ۱ صحیح است. کلبرگ در خصوص رشد اخلاقی سه سطح که هر یک شامل ۲ مرحله‌اند را مطرح کرده است. تأکید وی بیشتر بر استدلال‌های اخلاقی بوده نه رفتار اخلاقی.
- سطح پیش عرفی (پیش قراردادی): مرحله ۱ جهت‌گیری تنبیه و اطاعت؛ مرحله ۲ جهت‌گیری هدف وسیله‌ای (جهت‌گزینی مبتنی بر پاداش).
 - سطح عرفی (قراردادی): مرحله ۳ جهت‌گیری پسر خوب - دختر خوب (یا اصول اخلاقی همکاری بین فردی)؛ مرحله ۴ جهت‌گیری حفظ نظم اجتماعی.
 - سطح پس عرفی (پس قراردادی): مرحله ۵ جهت‌گیری قرارداد اجتماعی؛ مرحله ۶ جهت‌گیری اصول اخلاقی همگانی.
۲. گزینه ۱ و ۳ صحیح است. طبق شش مرحله رشد اخلاقی کلبرگ پاسخ این سوال تعیین می‌شود.
۳. گزینه ۴ صحیح است. مرحله ۴ جهت‌گیری حفظ کردن نظم اجتماعی؛ در این مرحله افراد دیدگاه قوانین اجتماعی را به حساب می‌آورند. مقررات باید به صورت یکسان در مورد همه اجرا شوند و هر عضو جامعه وظیفه دارد که از آن‌ها اطاعت کند و هرگز نباید از قوانین سرپیچی کرد.
۴. گزینه ۴ صحیح است. مراجعه به پاسخ سوال ۲.

فصل بیستم: نظریه روانی - اجتماعی اریکسون

- ✓ تعریف
- ✓ مراحل نظریه روانی - اجتماعی اریکسون
- ✓ عامل تحول از نظر اریکسون
- ✓ تحلیل، نقد و مقایسه نظریه‌ی اریکسون
- ✓ انتقادات
- ✓ مراحل فروید در مقایسه با مراحل اریکسون
- ✓ سایر نکات

اریکسون

رهبر دیدگاه‌های نوافرویدی، اریک اریکسون است (نظریه روانی - اجتماعی). اریکسون رشد انسان را در تمام عمر مورد بررسی قرار داده است. نظریه روانی - اجتماعی اریکسون به نظریه «هشت مرحله» یا «هشت سن» معروف است. وی تحول فرد را محصول عوامل زیستی - روانی - اجتماعی می‌داند که در واقع مبنای رشد زیستی است، اما جنبه‌های اجتماعی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. در هر مرحله فرد درگیر یک تعارض است و تحول به منزله انحلال فزاینده تعارض‌ها است که فرد سعی می‌کند از دام تعارض‌ها رد بشود و به تعادل برسد. وقتی فرد از یک مرحله تعارضی به مرحله دیگر عبور کند (می‌رسد) به رشد و تحول می‌رسد. مراحل روانی - اجتماعی اریکسون عبارتند از: اعتماد و امنیت خاطر در برابر بی‌اعتمادی و احساس ناامنی، خودمختاری و استقلال عمل در برابر شرم و تردید، ابتکار در برابر احساس گناه، سخت‌کوشی و کارایی در برابر احساس حقارت، هویت در برابر سردرگمی نقش و بی‌هویتی، صمیمیت در مقابل تنهایی و انزوا، زاینده‌گی در مقابل بی‌حوصلگی و رکود، انسجام خود در برابر ناامیدی (کمال من در مقابل سرخوردگی).

شهرت «اریکسون» بیشتر به دلیل نوشته‌های عمقی دربارهٔ تحول کودک، تحول مفهوم بحران‌های هویت و تغییر و توسعهٔ نظریهٔ روانی - جنسی «فروید» است. اریکسون در نظریه روانی - اجتماعی خود روی این موضوع تأکید کرد که «خود» صرفاً بین تکانه‌های نهاد و در خواست‌های فراخود میانجی‌گری نمی‌کند، بلکه «خود» در هر مرحله نگرش‌ها و مهارت‌هایی را نیز کسب می‌کند که باعث می‌شود فرد عضو فعال و کمک‌کننده به جامعه شود. پنج مرحله اول اریکسون شبیه مراحل فروید هستند ولی اریکسون ۳ مرحله بزرگسالی را نیز اضافه می‌کند.

مراحل نظریه روانی - اجتماعی اریکسون

• مرحله اول: اعتماد در برابر بی‌اعتمادی بنیادی (امید/کناره‌گیری) (تولد تا ۱سالگی)

اولین مرحله از رشد کودک در نظریه روانی - اجتماعی اریکسون است. در این سن نوزادان از مراقبت گرم و پذیرا احساس اعتماد می‌کنند و از انتظار زیاد برای آسایش و یا برخورد خشن احساس بی‌اعتمادی و عدم اطمینان می‌کنند. اریکسون در ابتدا سعی می‌کرد که به هر یک از مراحل فرویدی عمومیت بیشتری بدهد و به این منظور برای هر منطقه لیبیدویی یک وضعیت برای «من» نیز در نظر گرفت.

مرحله اول (دهانی) دارای وضعیتی از فعالیت به نام «جزء خود کردن» (جذب کردن)، یعنی نوعی انفعال همراه با پذیرش مشتاقانه نیز هست. بعدها جزء خودکردن به فراتر از دهان گسترش می‌یابد و حس‌های دیگری را نیز در بر می‌گیرد.

دومین مرحله (دهانی) فروید با بیرون آمدن دندان‌ها و گاز گرفتن پرخاشگرانه مشخص می‌شود. به گفته اریکسون روش گاز گرفتن و یا چنگ زدن مانند جزء خود کردن، روشی کلی است که فراتر از دهان گسترش می‌یابد. بنابراین روش گاز گرفتن و چنگ زدن یعنی گرفتن فعالانه، روشی کلی است که روش اصلی برخورد «من» کودک با جهان را نشان می‌دهد.

در اینجا احساس اعتماد را با ایمنی یکی می‌گیریم. محرک ایمنی، مادر است. آنچه که مادر و کودک را به هم نزدیک می‌کند تغذیه است. وقتی اعتماد می‌دهیم یعنی تغذیه می‌دهیم. اما آیا صددرصد می‌شود این اعتماد ایجاد شود؟ نه، ارضا صددرصد نیست (والن).

اریکسون تأکید فروید بر اهمیت رابطه والد - فرزند هنگام تغذیه را قبول داشت، ولی نظر فروید را گسترش داد و تکمیل کرد. اریکسون معتقد بود که نتیجه سالم در طول نوبل‌گی به کیفیت پرستاری و نه به مقدار غذا یا تحریک دهانی بستگی دارد. در صورتی که مادر دلسوزانه و با محبت به بچه خود رسیدگی کند، تعارض روان‌شناختی سال اول (اعتماد در برابر بی‌اعتمادی بنیادی) به صورت مثبت حل می‌شود. بچه‌ای که اعتماد می‌کند انتظار دارد دنیا خوب و خوشنود کننده باشد. بنابراین با کناره‌گیری از دیگران، از خویشتن محافظت می‌کند.

عمومی‌ترین مرحله: **اعتماد اساسی در برابر بی‌اعتمادی**. عمومی‌ترین مرحله در هر دوره شامل برخورد کلی بین من در حال رشد کودک و دنیای اطراف اوست. مهم‌ترین موضوع در این تعاملات این است که نوزادان سعی می‌کنند تا در اعماق مراقبان خویش همسانی و قابل پیش‌بینی بودن و اتکاء را پیدا کنند. هنگامی که آن‌ها احساس کردند که والدینشان با ثبات، همسان و قابل اتکاء هستند، آنگاه حس عمیق اعتماد به والدین را در خود رشد می‌دهند. آن‌ها می‌فهمند می‌توانند برای تسکین درد خود روی دیگران حساب کنند. شق دیگر این حس، بی‌اعتمادی است. این احساس که والد غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل اعتماد است و هنگام احتیاج در دسترس

نیست. نوزادان همچنین باید یاد بگیرند که به خودشان اعتماد کنند. هنگامی که نوزادان می‌آموزند تا تمایلات شدید خود را کنترل کنند یعنی بدون گاز گرفتن بمکند و بدون آسیب رساندن بگیرند، آنگاه خودشان را به اندازه کافی قابل اعتماد می‌بینند. بنابراین اعتماد یعنی این احساس که دیگران قابل اعتماد و قابل پیش‌بینی هستند. اما اریکسون در عین حال اظهار داشت که اعتماد، به اطمینان والدین از خود بستگی دارد، یعنی به این احساس که آنچه آنان انجام می‌دهند درست است. اریکسون هر مرحله را به صورت تعارض یا تنش ذاتی می‌بیند که در آن قطب منفی نیز برای رشد ضروری است. مثلاً نوزادان باید هم اعتماد و هم بی‌اعتمادی را تجربه کنند، اگر آن‌ها تنها اعتماد را در خود پرورش دهند آنگاه بسیار نازپرورده خواهند شد. اریکسون می‌گوید: واضح است که نوزاد انسان باید میزان مناسبی از بی‌اعتمادی را تجربه کند تا بیاموزد که از روی بصیرت اعتماد کند. با این حال بسیار مهم است که اعتماد نوزاد از بی‌اعتمادی او بیشتر باشد. اگر نوزاد به چنین وضعیتی برسند، هسته اصلی نیرومندی من در این مرحله یعنی **امیدواری** را در خود رشد خواهند داد. امیدواری یعنی این انتظار که با وجود ناکامی‌ها، سخت‌گیری‌ها و ناملایمات، در آینده اتفاقات خوشایندی به وقوع خواهد پیوست. امیدواری، کودک را قادر می‌سازد تا در جهان به پیش برود و چالش‌های جدیدی را تجربه کند.

• مرحله دوم: خود مختاری در برابر شرم و تردید (اراده/وسواس) (۱ تا ۳ سالگی)

این مرحله مطابق با مرحله **مرحله مقعدي** فروید است. اریکسون با فروید موافق است که روش‌های این مرحله همان حبس و دفع یا نگه داشتن و رها کردن است. اما اریکسون همچنین خاطر نشان کرد که این روش‌ها فراتر از مرحله مقعدي است. برای مثال کودکان در این مرحله استفاده از دستان خود را برای نگهداری سرسختانه اشیاء آغاز و پس از آن اشیاء را با بی‌اعتنایی به گوشه‌ای پرتاب می‌کنند.

با انتقال به دوره نوپایی، فروید آموزش استفاده از توالیت را برای سلامت روان‌شناختی با اهمیت می‌دانست. اریکسون این مسئله را قبول داشت، ولی آن را فقط یکی از چند جنبه تأثیرگذار می‌دانست. کودکان می‌خواهند نه تنها در مورد توالیت کردن، بلکه در موقعیت‌های دیگر نیز خودشان تصمیم بگیرند. البته قابل ذکر است که به عقیده اریکسون والدینی که در آموزش استفاده از توالیت بیش از حد کنترل‌کننده یا نه‌چندان کنترل‌کننده هستند نتیجه آن کودکی است که احساس شرمندگی می‌کند یا نسبت به توانایی خود در کنترل کردن تکانه‌ها و عمل کردن ماهرانه تردید دارد.

عمومی‌ترین مرحله: **خود مختاری در برابر شرم و تردید**. در میان این تکانه‌های متناقض (لحظه‌ای نگه داشتن و لحظه‌ای دیگر رها کردن)، اساساً کودک در حال تمرین گزینش است. کودکان دوساله دوست دارند هروقت که می‌خواهند نگه دارند و هر زمان که دوست ندارند به کناری هل دهند. آن‌ها در حال آزمون اراده خود یا حس خودمختاری خویش هستند. آن‌ها بیش از همه خودمختاری را در ابراز کلمه «نه» نشان می‌دهند. اگر کودکی احساس اعتماد و ایمنی بکند وارد این مرحله می‌شود و گرنه به سختی وارد این مرحله خواهد شد. استقلال عمل در نظر اریکسون هرگونه جابه‌جایی در فضا است. با استقلال عمل کودک نوعی کنجکاوی خود را ارضا می‌کند. اگر جلوی گرفته شود انگار جلوی کنجکاوی کودک گرفته شده، به تعبیر پیاژه، جلوی شناخت او را گرفتیم. اگر استقلال پیدا نکند به یک شک و تردید در توانایی‌های خودش می‌رسد.

به محض آنکه معلوم شود که کودکان کنترل بیشتری بر خود یافته‌اند، والدین تصمیم می‌گیرند که اکنون زمان مناسبی برای آموزش شیوه‌های درست رفتار کردن به کودکان است. کودکان می‌خواهند خودشان انتخاب کنند و تصمیم بگیرند. خودمختاری زمانی پرورش می‌یابد که والدین امکان انتخاب آزاد را فراهم کرده و به کودک فشار نیاورند یا او را شرم‌نده نکنند. اریکسون هم قبول داشت که مبارزه «توالیت - روده» با اهمیت است. اما او همچنین اظهار کرد که در این زمان مبارزه بین خودمختاری کودک و مقررات اجتماعی است که در عرصه‌های دیگری نیز رخ می‌دهد. مثلاً کودکان اصرار دارند تا خودشان غذا بخورند و بدین ترتیب خود را کثیف کنند. والدین سعی می‌کنند رفتار آن‌ها را تحت نظم درآورند.

به اعتقاد اریکسون خودمختاری از درون سرچشمه می‌گیرد. رشد زیست‌شناختی، توانایی انجام دادن امور به وسیله خود فرد، کنترل ماهیچه‌های اسفنکتر، ایستادن روی پاهای خویش و غیره را تقویت می‌کند. از سوی دیگر شرم و تردید از آگاهی در مورد انتظارات اجتماعی و فشارها ناشی می‌شود. شرم یعنی این احساس که شخص به چشم دیگران خوب جلوه نمی‌کند. برخی والدین ممکن است هر رفتار مخالفت‌آمیز کودکان خود را در هم بشکنند یا اینکه کوشش‌های کودکان را برای انجام دادن امور به وسیله خودشان مورد استهزاء و تمسخر قرار دهند. در این گونه موارد کودکان ممکن است احساساتی دائمی از شرم و تردید را در خود بپرورانند که تکانه‌های آنان را برای خودمختاری از میان می‌برد.

هرچقدر کودکان این بحران دوم را به شیوه مثبت‌تری حل کنند، یعنی کسب خودمختاری آن‌ها در مقابل شرم و تردید بیشتر باشد، آنگاه من نیرومند را بر مبنای اراده مقدماتی در خود به وجود می‌آورند. تعارض دوره نوپایی یعنی خودمختاری در برابر شرم و تردید در صورتی به نحو مطلوب حل می‌شود که والدین رهنمود مناسب و انتخاب‌های مناسب برای کودکان خردسال فراهم کنند. در مجموع، اعتماد بنیادی و خودمختاری، از فرزندپروری صمیمانه و دلسوزانه و انتظارات معقول در مورد کنترل تکانه در آغاز سال دوم به وجود می‌آیند.

• مرحله سوم: ابتکار عمل در برابر احساس گناه (هدف/ بازداری) (۳ تا ۶ سالگی)

تعارض روان‌شناختی سال‌های پیش‌دبستانی. مطابق با مرحله **آلتی (ادیبی)** فروید. نظریه اریکسون بر مراحل روانی - جنسی فروید استوار است. کودکان در تعارض‌های ادیب و الکتراي فروید، برای اجتناب از تنبیه و حفظ کردن محبت والدین، فراخود یا وجدان را به وسیله همانندسازی با والد همجنس تشکیل می‌دهند.